



دانشگاه تهران

پردیس قم

دانشکده حقوق

دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

خلاصه تقریرات درس

جرم‌شناسی

(جرم‌شناسی تروریسم)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

امیر باستانی و مهدی نوروزیان

دانشجویان کارشناسی ارشد

بازبینی: کریم صالحی دانشجوی دکتری

زمستان ۱۳۸۶

۲۵۵۸ مباحثی در علوم جنایی

علت انتخاب موضوع

موضوع تروریسم از جهتی موضوعی نو و از جهتی قدیمی است. برای فهم بهتر این معنا از مثالی استفاده می‌کنیم: بحث رشا و ارتشا در حقوق کیفری موضوعی بسیار قدیمی است. در موازین دینی نیز راجع به حرمت رشا و ارتشا (بالاخص در باب قضاوت) صحبت شده است؛ در قانون نامه حمورابی که مربوط به حدود ۳۸۰۰ سال پیش است از رشا و ارتشا به عنوان جرم صحبت شده است. در قانون نامه حمورابی پیش بینی شده است که اگر فرد نظامی پول گرفت یا حق زیردستی را ضایع کرد مجازات می‌شود.

دریافت رشوه، پورسانت و حق‌العمل غیر مشروع همه بر این امر دلالت می‌کند که در ازای پرداخت مبلغی به دیگری در پی کسب خدماتی من غیر حق هستیم؛ خدمات دولتی باید برای همه یکسان باشد و نباید جنبه طبقاتی پیدا کند؛ اگر در ازای پرداخت پول از سوی عده‌ای خاص، خدمات بیشتری به آنها ارائه شود، در اینجا حقوق بشر و حقوق شهروندان نقض شده است.

بدین ترتیب رشاء و ارتشاء مفاهیمی قدیمی هستند اما مصادیق نو و تازه‌ای پیدا کرده اند. یعنی دولت که باید خدمت عمومی انجام دهد به نوعی خدمت خصوصی انجام می‌دهد و این نقض حقوق شهروندان است؛ در اسلام رشوه عمدتاً نسبت به قضات مطرح است، چون رفع ظلم از مظلوم در تعابیر دینی امری بسیار با ارزش است.

در سالهای اخیر اختلاس و ارتشا به بخش خصوصی هم یافته است، چنانکه در کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون مبارزه با فساد اداری (مریدا ۲۰۰۳) مرتشی می‌تواند کارمند شرکت خصوصی باشد. در هر صورت رشاء و ارتشاء از مصادیق

جرایم مالی و اقتصادی است و جرایم اقتصادی از مشکلات عمده بشریت در قرن بیستم می‌باشد. به طوری که قرن ۲۱ را قرن جرایم مالی و اقتصادی نامیده اند.

تروریسم و جرایم مالی و اقتصادی

تروریسم با جرایم مالی بی‌ارتباط نیست، چنانکه برخی از رسانه‌ها از پاره ای از مصادیق جرایم اقتصادی تحت عنوان تروریسم اقتصادی یاد کرده‌اند.

محتکرین، زمین خواران و شویندگان پول را به تسامح، تروریست اقتصادی نام نهاده‌اند؛ همین طور جرایم مواد مخدر در این زمینه می‌توانند مهم باشند، بسیاری از مبارزان و پیکارجویان سیاسی، هزینه مبارزات و اعمال تروریستی خود را از طریق قاچاق مواد مخدر و همکاری با قاچاقچیان تأمین می‌کنند. مبارزین، امنیت عبور کالای قاچاق را تضمین می‌کنند و قاچاقچیان نیز در مقابل از نظر مالی آنها را تأمین می‌نمایند. به عنوان مثال می‌توان به بودجه نظامی گروهک طالبان اشاره کرد که از طریق قاچاق مواد مخدر تأمین می‌شود.

تروریسم مبحثی قدیمی با مصادیق نوین

به گواهی قطعنامه‌ها و کنوانسیون هایی که در سالهای اخیر در مجامع بین‌المللی تصویب شده است، تروریسم از مباحث مهم حقوق کیفری و سیاست جنایی است. تروریسم از این منظر که همواره ذیل عناوین مختلف مطرح شده است، موضوعی قدیمی و کهنه محسوب می‌شود، مثلاً حسن صباح که ساکن قلعه الموت بوده

۲۵۶۰ مباحثی در علوم جنایی

فداییانی داشته است که پس از دیدن آموزشهای لازم، علیه عمال حکومت عباسی مرتکب قتل و ترور می‌شوند.^۱

اما جدید بودن تروریسم به خاطر مصادیق نوین آن است. با گسترش وسایل حمل و نقل در قرن حاضر، ارتکاب اعمال تروریستی در هواپیما و کشتی‌ها افزایش یافته است، همین طور استفاده از مواد میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای مصادیق تازه‌ای از جرایم تروریستی است، مانند آلوده کردن مخازن آب شهر و یا استفاده از مواد شیمیایی مثل آنچه در متروی ژاپن واقع شد.^۲

حقوق کیفری افتراقی در مبارزه با تروریسم

بدین معنا که برای مبارزه با تروریسم یک سیاست جنایی خاص و قوانین ماهوی و شکلی خاص کیفری تدوین شده است، جرایم تروریستی آیین دادرسی متفاوتی دارند، مثلاً دادگاه جنایی فرانسه متشکل از ۹ نفر هیأت منصفه و سه قاضی است. اما

۱. Assassination. واژه لاتین، به معنای کشتن افراد به وسایل خائنه از ریشه فارسی حشاشین اخذ شده است که منظور پیروان حسن صباح می‌باشند. این افراد به اقدامات تروریستی برای از سر راه برداشتن مخالفان خود مبادرت می‌کردند و حشیش ماده ای بود که از سوی ایشان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

برای مطالعه بیشتر، بنگرید به:

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات

دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷. ص ۲۵

2. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به:

ماتیسین، توماس، توسعه مفهوم تروریسم، ترجمه معاونت امور بین الملل قوه قضاییه، نشریه مأوی،

شماره ۱، فروردین ۱۳۸۳

جرم‌شناسی ۲۵۶۱

در رابطه با جرایم تروریستی هیأت منصفه ای وجود ندارد و فقط سه قاضی وظیفه رسیدگی دارند، دلیل عمده‌ای که برای حذف هیأت منصفه وجود دارد این است که چون متهمین جرایم تروریستی افراد ناشناخته و گمنام هستند و در بین افراد جامعه شاخ و برگ دارند می‌توانند علیه شاهد، قاضی، هیأت منصفه و ... رفتارهای تلافی جویانه انجام دهند، چون عملیات تروریستی علیه دولت است لذا با حضور سه قاضی که نماینده دولت محسوب می‌شوند، محاکمه انجام می‌شود. لذا دولت، هیأت منصفه ای که منتخب دولت نیستند را حذف نموده است تا ریسک زندگی آینده آنها زیاد نشود.

در راستای آیین دادرسی افتراقی قانونگذار در جرایم مهم مثل جرایم علیه بشریت و تروریسم امکانات مختلفی را برای حمایت از شهود، قاضی، مخبرین و مامورین امنیتی فراهم آورده است. لذا دادرسی جرایم تروریستی در چارچوبی انجام می‌شود که به نوعی عدول از دادرسی عادلانه است.

عدول از دادرسی عادلانه^۱

جرایم تروریستی و ماهیت خاص آن باعث شده است بسیاری از دستاوردهای حقوق جزا کنار گذاشته شود. مثل اصل حاکمیت قانون (the rule of law) که امروزه شاهد عقب نشینی^۲ از این اصول هستیم^۳. دولت آمریکا که دارای حکومتی دموکراتیک است در امر مبارزه با تروریسم و محاکمه تروریست ها بسیاری از اصول

۲۵۶۲ مباحثی در علوم جنایی

آیین دادرسی و اصول بشر دوستانه را نقض کرده است، بعد از بمب‌گذاری در متروی لندن، پلیس این کشور این اختیار را پیدا کرد که متهمین جرایم تروریستی را تا ۴ ماه بدون ارجاع متهم به دادگاه در اختیار داشته باشد. در حالی که در شرایط عادی مدت بازداشت موقت ۲۴ ساعت است. در فرانسه دادرسی ویژه جرایم تروریستی وجود دارد که در پاریس مستقر شده و عده‌ای دادیار و بازپرس در این زمینه آموزش دیده‌اند. در معیت دادرسی ضابطین ویژه‌ای نیز وجود دارند.

حقوق کیفری تروریستی

از آنجا که تعریف جرم تروریسم برای نظم عمومی و حیات کشورها بسیار مهم است لذا در برخی از کشورها تشریفات ویژه ای در رسیدگی بوجود آمده و باعث دگرگونی حقوق کیفری و تشدید جنبه‌های سزادهی آن شده است.

رژیم کیفری مشدد برای مبارزه با تروریسم

بررسی تحولات قانونگذاری در امر مبارزه با تروریسم چه در کنوانسیون ها و چه در قوانین داخلی نشان می‌دهد که قانونگذار بیشتر به دنبال برخورد شدید و درصد برقراری یک رژیم کیفری مشدد و قوی است. گویی یافته‌های جرم شناسی که در مورد بزهکاران عادی به اجرا در می‌آید برای تروریست ها کاربرد ندارد، لذا دولت‌ها بیشتر به دنبال کیفر و سزادهی هستند تا اصلاح و درمان بزهکاران تروریست.

حکومتها: سیبل جرایم تروریستی

نکته دیگر در اهمیت جرایم تروریستی، عبارت است از اینکه مخاطب یا سیبل مرتکب جرم تروریستی حاکمیت و دولت است، اما برای دستیابی به آن اهداف، شهروندان و اشخاص بی‌گناه هدف جرم قرار می‌گیرند. بزه دیده عینی و ملموس، افراد عادی جامعه هستند که جان و مال و فرزند خود را از دست می‌دهند. لذا بزه دیدگان قانونی، حاکمیت و دولت می‌باشند اما بزه دیده واقعی جرایم تروریستی،

1. Fair Trial

2. Regression of The Rule of Law

3. پروفیسور شریف بسیونی مقاله ای در این مورد نوشته اند که عنوان آن عقب نشینی حاکمیت قانون است.

مردم بی گناه هستند. به عبارت بهتر، شخصی که بمب‌گذاری می‌کند هدفش کشتار مردم نیست، بلکه می‌خواهد با این کار نظم و امنیت جامعه را برهم زده و به عبارت دیگر نمادها را مورد هجومه قرار دهند. مثلاً در حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ساختمان تجارت جهانی به عنوان نماد سرمایه داری هدف حملات تروریستی قرار گرفت. این عده از این طریق می‌خواهند ناکارآمدی حکومت را در برقراری نظم نشان دهند. لذا بزه دیده از سوی بزه‌کار انتخاب نمی‌شود و مجرمین اصولاً هیچ شناختی نسبت به قربانیان خود ندارند. در واقع بزه دیدگی، شکل خاص به خود می‌گیرد. دولتها و حکومتها در اغلب کشورها صندوق یا اعتبار ویژه‌ای برای جبران خسارت‌های مالی برای این قبیل بزه دیدگان تعریف کرده‌اند. دولتها از طریق این صندوق‌ها درصدد ترمیم خسارت‌های ناشی از جرایم تروریستی هستند (صندوق حمایت از بزه دیده).^۱ در ایران نیز به لحاظ اداری در بودجه وزارت کشور ردیف خاصی برای جبران خسارت، انفجارها و سوء قصدها پیش بینی که تا سقف معینی به قربانیان پرداخت می‌شود.

تروریسم به عنوان یک جرم بین‌المللی

در مقالات راجع به تروریسم و در اسناد بین‌المللی از آن به عنوان یک جرم بین‌المللی تعبیر شده است، البته به عنوان یک پدیده حقوقی مصادیق آن در حقوق ما مشخص

۱. در خصوص جبران خسارت از قربانیان جرایم در فرانسه کمیسیون جبران خسارت بزه دیدگان جرایم و صندوق تضمین خسارت قربانیان اعمال تروریستی و سایر جرایم عهده دار این مهم هستند. جهت اطلاع بیشتر ر.ک:
- ژرار لپز، ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند. احمد محمدی، انتشارات مجد، تهران، سال ۱۳۷۹. صص ۱۱۶-۱۲۴

نشده است. لذا در مورد تروریسم سئوالات مهم و بی‌شماری وجود دارد. سئوالاتی مثل اینکه: چرا عملیات انتحاری رخ می‌دهد؟ انگیزه مرتکب از این عمل چیست؟ اغلب، مردان مرتکب این عمل می‌شوند یا زنان؟ معاونت در این جرم چگونه است؟ آیا اصلاح و بازپروری تروریست‌ها امکان دارد؟ آیا می‌توان از تروریسم پیشگیری کرد؟ آیا می‌توان با اقدامات غیر کیفری و تدابیر تامینی - تربیتی جلوی این پدیده را گرفت؟

در انگلستان و آمریکا برای پیشگیری از جرم، شاهد نصب دوربین‌های محسوس و نامحسوس در خیابانها هستیم. در انگلیس جهت مبارزه با تروریسم به ازای هر ۱۴ نفر یک دوربین مداربسته وجود دارد و میلیاردها تصویر را برای سالها نگهداری می‌کنند. در انفجار متروی لندن با استفاده از همین دوربین‌ها عوامل عملیات تروریستی شناسایی شدند. پیشگیری از تروریسم در کشورهایی که آماج این عملیاتها هستند از طریق فناوری‌های نوین صورت می‌گیرد.

تعارض پیشگیری از جرم با حقوق شهروندی

آیا نصب دوربین در کوچه و خیابان و رستورانها و هتل‌ها با اماره بی‌گناهی شهروندان در تعارض نیست؟ آیا خلوت و حریم خصوصی شهروندان مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرد؟ و تا کجا می‌توان تحت عنوان مبارزه با تروریسم حریم خصوصی افراد را نقض کرد؟^۱ امروزه شرکتها و موسسه‌های حمل‌ونقل برای محافظت خود اقدام به

^۱ در این خصوص ر.ک: شهرام ابراهیمی، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۷-مورس کوسن، نظارت ویدئویی: دلایل موفقیت و شکست، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ویژه حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶ صص ۳۲۳

جرم‌شناسی ۲۵۶۵

استخدام مامورین نامحسوس کرده اند تا شهروندان را به طور مداوم تحت نظر داشته باشند. تروریسم صنعت خاص خود را بوجود آورده و هزینه‌های بسیاری را به شهروندان و دولتها تحمیل کرده است.

ناشناخته بودن تروریست‌ها

تروریست‌ها به اقتضای عملشان گمنام هستند، اسامی مستعار دارند و در میان مردم عادی شناور هستند، شناسایی آنها بسیار سخت است. زیرا تروریست‌ها دارای سازماندهی و برنامه ریزی و تقسیم کار هستند. آنها بهره هوشی بالایی دارند لذا جرایم تروریستی به نوعی جرم ایدئولوژیک، عقیدتی و سیاسی **محسوب می‌شود**. تروریست وقتی مرتکب جرم می‌شود دنبال بهره‌مندی مادی و مالی و یا جنسی نیست، بلکه برای آرمانی اقدام به آن کار می‌کند. در بحث تروریسم انگیزه، موضوع بسیار مهمی است. عامل اصلی که باعث تفاوت جرم سیاسی از جرم تروریستی می‌شود همین انگیزه است؛ در جرایم تروریستی انگیزه‌های ملی، سیاسی و ایدئولوژیک مطرح است.

تعامل حقوق کیفری و حقوق بین‌المللی در مسیر مبارزه با تروریسم

چون مبارزه با تروریسم احتیاج به تدابیر ویژه دارد، سازمان ملل ده‌ها کنوانسیون و قطعنامه جهت پیشگیری از تروریسم تصویب کرده است.^۱ هم‌زمان برخی از کشورها

1. اسناد مذکور عبارتند از:

- 1963 Convention on Offences and Certain Other Acts Committed On Board Aircraft (Aircraft Convention)
- 1970 Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft (Unlawful Seizure Convention)
- 1971 Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation (Civil Aviation Convention)
- 1973 Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Internationally Protected Persons (Diplomatic agents Convention)

۲۵۶۶ مباحثی در علوم جنایی

نیز حقوق کیفری خود را روزآمد کرده‌اند. حقوق کیفری امروزه بیشتر از کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی الزام آور متأثر است و با الهام از آن مقررات جدیدی را وضع می‌کند. لذا حقوق کیفری داخلی در امر مبارزه با تروریسم متأثر از حقوق بین‌المللی کیفری است.

تروریسم چیست؟

تروریسم عنوانی عام (generic) است که به مجموعه‌ای از جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین اطلاق می‌شود. بعضی دیگر ترور را به مجرمیت یا جنایت کاری تعریف کرده‌اند، ترور به رفتار و عمل مجرمانه اطلاق می‌شود و کسی که این عمل را انجام می‌دهد تروریست نامیده می‌شود، لذا می‌توان گفت رفتارهای مجرمانه عادی مثل قتل، تخریب، آتش سوزی ... در شرایط خاصی می‌تواند عنوان جرم تروریستی به خود بگیرد.

-
- 1979 International Convention against the Taking of Hostages (Hostages Convention)
 - 1980 Convention on the Physical Protection of Nuclear Material (Nuclear Materials Convention)
 - 1988 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation, supplementary to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation (Extends and supplements the Montreal Convention on Air Safety) (Airport Protocol)
 - 1988 Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation (Maritime Convention)
 - 1988 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf (Fixed Platform Protocol)
 - 1991 Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection (Plastic Explosives Convention)
 - 1997 International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings (Terrorist Bombing Convention)
 - 1999 International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism (Terrorist Financing Convention)
 - 2005 International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism (Nuclear Terrorism Convention)

تروریسم به مثابه جرمی بین‌المللی

پدیده تروریسم یا افعال مادی مشمول تروریسم بیش از پیش جنبه فرامرزی و بین‌المللی پیدا می‌کند. چنانکه به تعبیر برخی از حقوقدانان سرنوشت بشریت امروزه با تروریسم عجین شده است و هیچ کشوری از آن مصون نیست. لذا تروریسم بحثی فرامرزی و بین‌المللی است.

جرم تروریستی جرمی سازمان یافته نیست

هر چند ارتکاب اعمال تروریستی احتیاج به سازمان دهی دارد اما جرم تروریستی یک جرم سازمان یافته به معنای اخص آن در حقوق کیفری نیست. کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی در ماده ۲ خود در راستای تعریف جرم سازمان یافته بیان می‌دارد: «جرم سازمان یافته جرمی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱- ۳ نفر یا بیشتر در آن فعالیت کنند ۲- در آن تقسیم کار وجود داشته باشد ۳- بین افراد گروه رابطه سلسله مراتبی وجود داشته باشد ۴- استمرار در زمان داشته باشد. ۵- رفتارهای مجرمانه باید به قصد کسب مال یا سود انجام شوند»، کشورها نیز برای مبارزه بهتر و موثر با این جرم بیش از پیش در کنار هم جمع شده‌اند؛ در سالهای اخیر نیز دولت ایران با چند کشور در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم یادداشت و تفاهم نامه همکاری امضا کرده است (نظیر قزاقستان^۱، آذربایجان، افغانستان، کویت، ایتالیا ...).

تاریخچه تروریسم

همان طور که گفته شد تروریسم واژه‌ای عام است. در ذیل این واژه اعمال و رفتاری تعریف می‌شدند که مصداق تروریسم است، مثل عملیات انتحاری، لذا تروریسم به طور کلی یک عنوان مجرمانه نیست. هر نوع اعمال و رفتار مجرمانه که باعث ایجاد رعب و وحشت در جامعه شود می‌تواند در صورت وجود سایر شرایط رفتار تروریستی تلقی شود. بزه دیده‌ی پدیده تروریستی عموم مردم هستند و یک نوع هشدار جمعی محسوب می‌شود.

در قانون مجازات فرانسه بسیاری از عناوین مجرمانه به صورت کلی بیان مصداق شده است. مثلاً در تعریف جنایت علیه بشریت اعمالی مثل بارداری اجباری، تجاوز به عنف و ... ذکر شده است.

تروریسم اصطلاحی است که در دهه اخیر به صورت گسترده در رسانه‌های دیداری و شنیداری به کار برده می‌شود. به لحاظ فراگیری آن، انسانهای بسیاری می‌توانند مصداق و هدف ترور باشند. در هر لحظه انسانها خود به نوعی به عنوان مسافر و رهگذر و کارمند و استاد ممکن است آن را تجربه کنند. هدف تروریست، لطمه زدن به منافع دولت است، اما در عمل انسانهای بیگناه کشته می‌شوند. از طرفی تروریسم به صورت زنده در رسانه‌های دنیا منعکس می‌شود (مثل حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱).

در بررسی تاریخی این پدیده ملاحظه می‌شود که ارسطو در آثار خود صحبت از نظامهای سیاسی ای می‌کند که از طریق ترور حکومت می‌کرده‌اند و از آن به عنوان یک شیوه زمامداری استفاده می‌کرده‌اند. ارسطو از دوره‌ای یاد می‌کند که در سالهای ۴۰۳-۴۰۴ قبل از میلاد فرد مستبدی به نام کرتیاس در آتن حکومت می‌کرده است که حکومت وی ترور ملأ بوده و به منظور ایجاد رعب و وحشت و وادار کردن شهروندان به سکوت از ترور استفاده می‌نموده است. هنگامی که اسپارتنی‌ها با حمله

۱. قانون موافقتنامه همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان یافته و تروریسم بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۶/۵/۲ روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۰۴ مورخ

جرم‌شناسی ۲۵۶۹

به آتن این شهر را تسخیر کردند شورایی از میان خود انتخاب نمودند که شهر را اداره کند؛ دو تن از اعضای این شورا *ترامن* و *کریئاس* بودند که به ایجاد حکومت ترور مشهور بودند. این عده در عرض یک سال بیش از ۱۵۰۰ نفر از شهروندان را به اعتبار جایگاه اجتماعی و فکری آنان و اینکه برای حکومت خطر دارند از بین بردند. در اروپا نیز ما شاهد یک نوع حکومت مبتنی بر ترور هستیم که براساس ایدئولوژی و فکر مذهبی عمل می‌کند.

واژه ترور برای اولین بار پس از انقلاب کبیر فرانسه بوجود آمد. انقلاب فرانسه دارای مقطعی است بین سالهای ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۴ که به دوران ترور معروف است. بعد از بین رفتن لویی‌ها و برای پایان دادن به هرج و مرج، آقای *روبرس* (وکیل فرانسوی) و دوستش *سن ژوست* یک سیستم حکومتی ایجاد کردند و هدفشان احیای نظم جدید سیاسی، اقتصادی و نظامی بود. لذا به منظور ایجاد رعب و وحشت در دل مخالفان و مهار مخالفان بالقوه متوسل به روشهای می‌شدند تا با ایجاد ترس آنها را سرکوب کنند. این دوره، دوره ترور نامیده می‌شود.

لذا اولین مصادیق ترور از منظر تاریخی تروریسم دولتی (آتن و فرانسه) بود، دولت جهت استقرار پایه‌های خود و جهت حکومت داری متوسل به خشونت می‌شد. اعتقاد به ایجاد رعب برای غالب کردن یک اندیشه و فکر وجود داشت، اما در قرن ۱۹ مشاهده می‌شود که تروریسم که از دولت ناشی شده بود کم کم وسیله‌ای جهت مخالفت مردم علیه حکومت و مبارزه مردم با دولت شد. از همین جا بود که بین تروریسم و جرم سیاسی ارتباط برقرار شد. در قرن بیستم شاهد ارتباط بین تروریسم و جرایم مادی و عمومی هستیم. مثلاً بین تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر که نوع ارتباط آنها قبلاً توضیح داده شد. تفاوت این دو گروه در آن است که قاچاقچیان اهداف مالی دارند و آرمانهای ایدئولوژیک ندارند. به همین دلیل، (یعنی

۲۵۷۰ مباحثی در علوم جنایی

عدم منفعت مادی) تروریسم جزء جرایم سازمان یافته محسوب نمی‌شود، هرچند که دارای سلسله مراتب، تقسیم کار و سازماندهی باشد.

تعریف تروریسم

تعریف این واژه کلی، بسیار دشوار است. برخی معتقدند تروریسم نیاز به تعریف ندارد، چون موضوعی است که همه مردم با آن درگیرند به طور ملموس آن را حس می‌کنند و تعریف آن به نوعی تحصیل حاصل است. دشواری تعریف تروریسم دست کم به چند علت اساسی است: دلیل اول اینکه تروریسم اشکال مختلف دارد مانند گروگان‌گیری، قتل، تخریب و... و همین‌طور جرایم زیست محیطی و میکروبی. در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ فرقه‌ای به نام *آتون*، گاز خفه‌کننده *سارین* را با هدف حمله به دولت ژاپن در داخل مترو منتشر کردند که ۱۱ نفر کشته شدند. همین‌طور تروریسمی که با هدف ضربه زدن به اطلاعات و نهادهای حکومتی از طریق اینترنت **عمل می‌نماید** یکی از مصادیق نوین تروریسم است.

لذا یکی از دلایل مهم برای صعوبت در تعریف تروریسم متنوع بودن اشکال این موضوع است. دلیل دیگر برای دشواری تعریف این است که اعمالی که تروریسم را بوجود می‌آورند دارای جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و روانی هستند. در واقع مطالعه تروریسم مستلزم یک رویکرد میان رشته‌های است و نیاز به اطلاعات جامعه‌شناختی و یافته‌های علوم گوناگون است.

سومین دلیل اینکه تروریسم ما را به سمت مفاهیمی هدایت می‌کند که جنبه ذهنی و روانی دارند (انگیزه) و جنبه عینی آن محدود است. لذا ارائه تعریف دشوار است. مثلاً یکی از آثار ذهنی تروریسم ایجاد رنج و عذاب و رعب و وحشت است. اما چگونه می‌توان آن را شناسایی و مهار کرد؟ لذا ذهنی‌گرایی نقش عمده‌ای در ایجاد صعوبت در تعریف تروریسم ایفا می‌کند.

واژه تروریسم که از زبان فرانسوی به زبان فارسی راه یافته است، از ریشه لاتین آن "terrs" به معنی احساس ترس است^۱ و آن را ترس یا نگرانی شدید که اغلب از تهدید مبهم، نامأنوس و غیرقابل پیش بینی ناشی می‌گردد، تعریف کرده‌اند. ترور در زبان فرانسه به معنی هراس و هراس افکنی است. در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور گویند^۲. استفاده از ترور سرشت حکومت‌هایی است که با بازداشت و شکنجه و اعدام و انواع آزارهای غیرقانونی از راه پلیس مخفی، مخالفان را سرکوب می‌کنند و می‌هراسانند و یا روش دسته‌های راستی یا چپی است که برای برافکندن یا هراساندن دولت، به آدم‌کشی و آدم‌ربایی و خرابکاری دست می‌زنند.

البته اصطلاح امروزی ترور به دو‌یست سال گذشته و حکومت ماکسیمیلیان روبسپیر^۳ که به اعدام مخالفین انقلاب کبیر فرانسه دست زده بود و حکومت وی به "حکومت ترور" معروف شد، برمی‌گردد.

«ایجاد هراس در توده مردم یا گروهی از مردم به منظور درهم شکستن مقاومتشان؛ برقراری نظام یا فرایند سیاسی بر پایه این ترس، از طریق بکارگیری اقدامات حاد و خشونت بار»^۱.

کافی است گزارش‌های گزارشگر مخصوص سازمان ملل متحد راجع به تروریسم و حقوق بشر را ورق زد تا دریافت که تلاش‌های صورت گرفته برای تعریف تروریسم مملو از اختلافات و شائبه‌های سیاسی است.^۲ آثار این اختلاف را می‌توان در تدوین کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تروریسم مشاهده کرد. اغلب چکیده بحث در این عبارت خلاصه می‌شود که «شخصی از نظر یک فرد تروریست و از نظر فرد دیگر مبارز آزادی تلقی می‌شود»^۳. و از این رو با «جرائم سیاسی» همخوانی می‌یابد.^۱

1. Yves SANDOZ, " Lutte contre leterrorisme et droit international : risques et opportunités ", droit international et de droit européen, Revue Suisse de 2002/3, RSDIE , pp. 319-354 .

این مقاله با عنوان " مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل : خطرات و فرصتها " توسط آقای حسن سواری ترجمه و در شماره ۲۹ مجله حقوقی (مرکز امورحقوقی بین‌المللی) چاپ شده است.

2. Terrorism and Human Rights, Preliminary Report, Supra note 7 .pp.8-21

3.Christine Chinlund, "Who Should Wear the "Terrorist" Label?" Boston Globe,8 Sept. 2003, at A15, available at: www.boston.com/news/globe/editorial_opinion/editorials/articles/2003/09/08/.

مدتها قبل از جنگ علیه تروریسم [فعلی]، تنش بر سر تعریف تروریسم در عدم تمایل ایالات متحده به امضای پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ خود را نشان داد. دولت ریگان بر این اعتقاد بود که این پروتکل مرزهای بین تروریسم و جنگ‌های آزادی‌بخش ملی را از بین می‌برد. در این خصوص ر.ک.:

Abraham Sofaer, " The Rationale for the United States Decision" Not to Ratify, 82 Am. J. Intl L., 784785 (1988).

به نقل از :

- پل هافمن، " حقوق بشر و تروریسم " ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی (مرکز امورحقوقی بین‌المللی) شماره ۳۴ سال ۱۳۸۵ ص. ۵ .

1. جوان شهرکی، مریم، جهانی شدن و گسترش تروریسم جهانی (مورد مطالعاتی: گروه القاعده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۹.

2. دکتر داریوش آشوری، فرهنگ سیاسی: تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۴۹.

3. مکسیمیلیان روبسپیر در تاریخ ۶ مه ۱۷۵۸، سال انتشار نامه معروف روسو به دالامبر در شهر آرس، در شمال فرانسه، در خانواده‌ای حقوقدان، متولد شد. وی از مخالفین سرسخت مجازات اعدام بود و سالهای ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ حکومت فرانسه را در دست گرفت و به اعدام مخالفین انقلاب همت گماشت تا بدین صورت انقلابی نو پا را بر جا ننگه دارد و خود نیز عاقبت در ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ اعدام شد.

جهت اطلاع بیشتر ر.ک.:

فیلیس کورزین، انقلاب فرانسه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.

رویکردهایی در زمینه تعریف تروریسم

در این مسئله چهار رویکرد اساسی وجود دارد که ضمن بیان آنها ایرادات هر کدام از این رهیافت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رویکرد اول

این رویکرد، تروریسم را به عنوان یک ایدئولوژی و عقیده تعریف می‌کند. در نگرش ایدئولوژیکی به تروریسم تلاش نویسندگان آن است که این مفهوم را از مقاومت جدا کنند. مرز بین کسانی که قصد مقاومت (resistance) دارند و تروریست‌ها در چیست؟ در این رویکرد، خشونت‌ی که از سوی گروه مقاومت علیه اشغالگران اعمال می‌شود مشروع است اما در تروریسم ما با خشونت نامشروع مواجه هستیم. عده‌ای معتقدند که توسل به خشونت در نظامهای مردم‌سالار و در جوامعی که کانال حکومتی بین مردم و دولتمردان وجود دارد مشروعیت ندارد. زیرا راه برای اعمال خشونت‌های مشروع مثل تحصن، اعتصاب و... وجود دارد و نیازی به رفتارهای تروریستی احساس نمی‌شود. در این رویکرد و در زمینه تشخیص مشروع یا نامشروع بودن خشونت نویسنده‌ای کانادایی دو معیار را معرفی می‌کند: معیار اول: بدین معنا که در واقع تروریست شخصی است که علیه سیستمی که اکثریت مردم آن را قبول دارند و در آن حضور دارند اقدام می‌کند. در نتیجه اقدام او علیه رضایت و خواست عمومی است.

۲۵۷۴ مباحثی در علوم جنایی

معیار دوم در مورد حقوق اقلیت است. زیرا در نظامهای مردم‌سالار، اقلیت نیز حق مشارکت در امر حکومت را دارند و اقلیت بودن آنها دلیلی برای اعمال خشونت و توسل به خشونت نیست. این معیار نوعی ملاک سیاسی است.

اما ایرادی به این معیار وارد است. ما در این معیار به این نکته می‌رسیم که تروریسم مبتنی بر ماهیت سیاسی حاکم بر کشور است. هر چه نظام مردمی تر باشد انجام اعمال تروریستی غیر قابل توجیه‌تر است. اما برخلاف آن حکومت‌های غیر مردم‌سالار زمینه توسل به خشونت را زیاد می‌کند. بنابراین تفکیک بین مقاومت و تروریسم به ایدئولوژی باز می‌گردد.

رویکرد دوم

این رویکرد بیشتر به روشها و متدها توجه دارد. در معیارهای قبلی بحث مشروعیت یا عدم آن بود. اینجا روش تروریست‌ها مورد بحث است. در این رویکرد تروریست یک راهبردی غیر مستقیم جهت اعمال فشار به حاکمیت است. اعمال تروریستی بر سه اصل استوار است:

اصل اول: انتخاب راه و سیل انحرافی و غیر مستقیم به این ترتیب که مجرم با کشتار انسانهای بی‌گناه در پی متزلزل کردن پایه‌های حکومت است. این راهی غیر مستقیم است تا بدین وسیله حکومت با خواسته او کنار بیاید.

اصل دوم: هر فرد به عنوان عضو یک جامعه در بقای حکومتی که تروریست‌ها معتقد به عدم مشروعیت آن هستند مسئول است. چون در مقابل حکومت نامشروع مقاومت و ایستادگی نمی‌کنند، مقصر هستند. پس باید شهروندان را به نوعی علیه حکومت به حرکت در آورد که ترور یکی از این راه‌هاست.

اصل سوم: توده یا جمعیت معیار است و همه اعضای جامعه به طور بالقوه قربانی تروریسم هستند.

1. مطالب داخل کمانها از سوی ویرایشگر (کریم صالحی) اضافه شده است و هر گونه ایراد و اشکالی بدان وارد باشد متوجه نامبرده خواهد بود. ویرایشگر کاستی مطالب یادشده را که بر گرفته از مقاله در دست تهیه با عنوان "نگاهی جرم‌شناختی به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم" است می‌پذیرد.

تروریسم یک شکل مدرن از جنگ کلاسیک است، جنگ مسلحانه که به صورت جنگ درون شهری بروز می‌کند. لذا کشورهای مخالف یکدیگر به جای استفاده از یک مخاصمه رو در روی رسمی از اعمال تروریستی استفاده می‌کنند. جنگ دارای قوانینی است که تحت عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه از آن یاد می‌شود. لذا رعایت این مقررات محدودیتهایی را برای دولتها بوجود می‌آورد. اما از آنجا که تروریسم، خود، عملی نامشروع است، فاقد قید و بندهای مخاصمات رسمی است. یک مبارزه آزاد است، اصول نظامی در آن رعایت نمی‌شود، جبهه ندارد و مقید به رعایت حقوق بشر دوستانه نیست.

اما ایراداتی به این نظر وارد است:

اول اینکه همه اعمال تروریستی در مقام فروپاشی یک حکومت نیست، بلکه ممکن است علیه یک مفهوم یا یک ایدئولوژی باشد. مثل مفهوم استکبار جهانی .

دوم اینکه این موضوع را به خاطر تفاوت‌های فراوان آن با مقوله جنگ نمی‌توان به آن تشبیه کرد. زیرا تروریسم، اسلحه افراد ضعیف است و کسانی که امکان مخاصمه رودرو را ندارند به این اقدام متوسل می‌شوند. در جنگ، افراد نظامی سبیل هستند. در حالی که آماج حملات تروریستی عمدتاً شهروندان عادی هستند و اینکه تروریسم یک سلسله اعمال خشونت آمیز است که آثار روانی آن با آثار واقعی آن هم خوانی ندارد. یعنی ممکن است یک عملیات تروریستی از نظر فیزیکی خسارات جانی و مالی زیادی نداشته باشد اما آثار ذهنی و روانی آن که همان احساس ناامنی و رعب و هراس است بسیار زیاد باشد. زیرا اعمال تروریستی از طریق رسانه‌ها به سراسر دنیا مخابره می‌شود و هراس فراگیری را در نظامهای مختلف دنیا ایجاد می‌کند.

رفتارهای تروریستی نوعی عمل سیاسی است، مرتکبین جرایم تروریستی از نظر انگیزه تفاوت آشکاری با مجرمین عادی دارند. از نظر آنها هدف وسیله را توجیه می‌کند. حتی اگر لازم باشد می‌توان برای رسیدن به آرمانها به اعمال خشونت آمیز متوسل شد. اما چون هدف را مقدس می‌دارند خود را سرزنش نمی‌کنند. لذا مرتکبین این جرایم به نوعی افرادی سیاسی هستند.

ایرادی که به این رویکرد وارد است عبارت از اینکه همواره این طور نیست که فعل مادی تروریسم برای آرمانهای والا و مقدس باشد، بلکه گاهی اعمالی مانند سرقت و آدم کشی و باج گیری دارای انگیزه‌های مادی صرف مانند سودطلبی و پول جویی می باشد. لذا نمی‌توان تروریست را با جرم سیاسی^۱ یکی دانست. در جرم سیاسی دو معیار اساسی وجود دارد: ۱- انگیزه شرافتمندانه ۲- عدم بکارگیری خشونت. لذا با توجه به این دو معیار تعریف جرم سیاسی بسیار مشکل است. با توجه به این معیارها می‌توان جرم تروریستی را این گونه توضیح داد:

۱. «جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن یا انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور بوده و یا هر عمل مجرمانه- ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد. این جرم ممکن است به تنهایی و یا همراه با سایر جرایم عمومی، اجتماعی و امنیتی اتفاق افتد.» برای مطالعه بیشتر، نک به :

هاشمی، سید محمد، «جرایم سیاسی مطبوعاتی در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی،

شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۱، صص ۱۳۸ - ۱۳۷.

جرم‌شناسی ۲۵۷۷

۱- عمل تروریستی هر فعل خشونت بار مسلحانه‌ای است که با هدف سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک ارتکاب یافته و مقررات حقوق بشر دوستانه را نقض می‌کند. زیرا همان طور که می‌دانیم طبق مقررات حقوق بشردوستانه کاربرد وسایل خشن برای حمله به افرادی بی گناه و غیر نظامی ممنوع است و این تعریف شامل هر نوع رفتار خشونت بار می‌شود. در این بیان، تروریسم به جنگ نزدیک می‌شود. در این میان مجرم از هر وسیله‌ای برای حمله به افراد بی‌گناه استفاده می‌کند.

۲- تعریف دیگر مبتنی بر یافته‌های جامعه‌شناسی است. تروریسم هر عمل خشونت آمیزی است که به دنبال ایجاد وحشت و ناامنی در میان مردم باشد. در این تعریف آثار و تبعات جرم مهم است و وسیله ارتکاب آن اهمیت کمتری دارد.

تیپولوژی یا گونه‌شناسی تروریسم

لازم به یادآوری است که تروریسم عنوانی کلی است که رفتارهای مجرمانه بسیاری را پوشش می‌دهد. لذا تقسیم بندی‌های متفاوتی برای انواع تروریسم ذکر کرده‌اند.

تروریسم ملی و تروریسم بین‌المللی

این تقسیم بندی براین اساس است که مرتکبین اعمال خود را در خاک یک کشور که تبعه آن هستند علیه منافع آن مرتکب می‌شوند و یا اینکه آن عمل را علیه کشورهای دیگر انجام می‌دهند. تروریسم داخلی به دو شکل اصلی خود را نشان می‌دهد. ۱- تروریسم خودمختار ۲- تروریسم استقلال طلب.

گروه‌ها و اقوامی به لحاظ قومیت، نژاد و یا مذهب خود تقاضای خودمختاری و استقلال طلبی دارند. باسک در مرز فرانسه و اسپانیا یکی از این گروه هاست. و یا در ایرلند گروهی خواهان استقلال از بریتانیا هستند. تروریسم داخلی ممکن است جنبه ایدئولوژیک داشته باشد. مرتکبین اعمال تروریستی با مبارزه و **توسل** به اعمال ظالمانه **در جهت** استقرار جامعه مطلوب و آرمانی خود علیه حکومت به طور مستقیم یا غیر

۲۵۷۸ مباحثی در علوم جنایی

مستقیم اقدام می‌کنند و انگیزه آنان عدالت طلبی و مبارزه با تبعیض و ظلم است. مثلاً طالبان معتقد است: حکومت موجود فاسد است و خلاف اسلام رفتار می‌کند. یا در عراق و افغانستان اعمال تروریستی به خاطر این است که معتقدند آمریکاییها اشغالگرند. در تروریسم داخلی و استقلال طلب، گروه‌های مبارزه معمولاً دارای پایگاه اجتماعی هستند، اما در تروریسم نوع دوم- خود مختار- به خاطر نوع حکومت ممکن است پایگاه اجتماعی نداشته باشد. یعنی عده بسیاری از مردم به دنبال زندگی آرامی هستند و عده قلیلی نیز افراد آرمان گرا هستند که قصد مبارزه دارند. لذا پایگاه اجتماعی آنان غالباً محدود است.

تروریسم بین‌المللی

اقدامات تروریستی ممکن است در قالب سازمان‌های تروریستی بین‌المللی باشد و تروریست‌ها مستقل از حکومت عمل کنند یا سازمان خاصی اقدام به اعمال تروریستی می‌کند، که این اعمال در نهایت مرتبط با کشور خودشان است. به عنوان مثال در یک کشور خارجی علیه دولت متبوع خودشان و علیه دولتی که آن را فاسد می‌دانند اعمال تروریستی انجام می‌دهند. مثل عملیات علیه سفارتخانه‌ها و یا نمادهای حکومت مثل هواپیما؛ گاهی تروریسم ممکن است شکل دولتی به خود بگیرد. یعنی دولت (الف) برای مبارزه علیه مخالفان خود و معترضان خود که در کشورهای خارجی مستقر و پراکنده شده‌اند دست به ترور زده و آنها را حذف فیزیکی می‌کند.

تروریسم بین‌المللی مورد حمایت دولت

این گونه از جرایم تروریستی دولتی نیست اما مورد حمایت یک دولت خاص است. دولتی خاص برای مبارزه با دول مخالف خود به جای نبرد مستقیم با آنها اقدام به تجهیز مالی و نظامی گروه‌های تروریستی مخالف آن دولت می‌کند. مثلاً در زمانی که

شوروی‌ها در افغانستان بودند آمریکا برای مقابله با نفوذ شوروی اقدام به تجهیز گروهک‌های افغانی می‌کرد.

طبقه‌بندی تروریسم براساس منبع و جایگاه اجتماعی

بر اساس میزان برخورداری از حمایت مردمی، تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است که مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها عبارتست از:

۱- جنبش‌های ضدامپریالیستی: که عمدتاً در کشورهای غیر دموکراتیک وجود دارد. این گروه‌ها جایگاه اجتماعی قوی ندارند و از آنجا که سرمایه‌داری را عامل عقب افتادگی خود می‌دانند با امپریالیست مبارزه می‌کنند.

۲- فرّق یا گروه‌های سیاسی کوچک در کشورهای دموکراتیک یا مردم‌سالار که علیه نظام سرمایه‌داری مبارزه می‌کنند اما لزوماً پایگاه مردمی ندارند اما برای برقراری عدالت اجتماعی دست به اقدامات تروریستی می‌زنند.

نمونه بارز این گروه‌ها، جوخه‌های سرخ در ایتالیا بودند که علیه حکومت و دولت ایتالیا مبارزه می‌نمودند این دسته چون معتقد بودند دولت ایتالیا همسو و دنباله‌رو سیاست‌های آمریکاست حتی موفق به قتل نخست‌وزیر شدند، اما چون فاقد پایگاه مردمی بودند، موفقیتی نداشتند. حتی در بین افراد این گروه‌ها اساتید دانشگاه و افراد فرهیخته وجود داشت. اوج فعالیت آنها در دهه ۷۰ بود. در آلمان نیز گروه *بانه بدر* به خاطر همکاری دولت آلمان با آمریکا اقدام به مبارزه با آن کردند.

از جنبش‌های اجتماعی که دارای پایگاه مردمی هستند، می‌توان به جنبش استقلال طلب جزیره کورس در جنوب شرقی فرانسه اشاره کرد، توده مردم چون از اقلیت قومی هستند از این گروه حمایت می‌کنند. لذا در یک تقسیم کلی می‌توان تروریسم ملی را این گونه دید:

۲۵۸۰ مباحثی در علوم جنایی

تروریسم براساس اندیشه‌های ایدئولوژیک و مسایل عقیدتی و فکری گروه‌های ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری و یا به صورت گروه‌هایی خودمختار و استقلال طلب است.

طبقه‌بندی چهارم

در این تقسیم‌بندی رفتارهای تروریستی به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱- تروریسم بین‌المللی: یعنی دولت‌ها به جای استفاده از جنگ مستقیم علیه یکدیگر به تروریسم متوسل و با تجهیز مخالفان کشورهای مخالف خود با آنها مبارزه می‌کنند؛

۲- ترور کردن اقلیتها و از بین بردن آنها؛

۳- آخرین گروه در این تیپولوژی ملی‌گراها هستند که با گرایشهای ناسیونالیستی رفتارهای تروریستی انجام می‌دهند.

طبقه‌بندی پنجم

این طبقه‌بندی توسط ریموند گسن جرم‌شناس فرانسوی مطرح شده است که در سه دسته خلاصه می‌شود:

۱- عده‌ای با انگیزه خودمختاری و استقلال طلبی دست به رفتار تروریستی می‌زنند و ترور به عنوان یک راهکار برای پیشبرد اهداف سیاسی مطرح می‌شود.

۲- تروریسم فوق‌العاده چپ با انگیزه ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیستی. (فراکسیون ارتش سرخ در جمهوری فدرال آلمان، بریگاد سرخ در ایتالیا، جنگجویان کمونیست در بلژیک)

۳- تروریسم بین‌المللی و با اندیشه‌های ضدغربی یعنی جنبش‌های قومی و دینی و یا منطقه‌ای که در یک نقطه با هم توافق دارند و آن مبارزه با سرمایه‌داری است. و

به نوعی این مبارزه برعلیه استعمار نو که سلطه فرهنگی و اقتصادی را به دنبال دارد اجرا می‌شود.^۱
در این تیپولوژی‌هایی که بررسی شد یک سلسله ویژگی‌های مشترک است.

ارکان جرم تروریستی

۱- رفتار خشونت آمیز

توسل به خشونت به منظور ایجاد رعب و هراس جزء ضروری و لاینفک هر نوع عملیات تروریستی است. اصولاً بر اساس معیار خشونت جرایم دو قسمت می‌شوند:
الف) جرایم خشونت آمیز که با توسل به زور بازو و یا با استفاده از اسلحه به عنوان یک وسیله مادی و ملموس انجام می‌شود و آثار و عواقب آن در جامعه کاملاً واضح و عینی است.

ب) جرایم مبتنی بر تقلب که نیرنگ آمیز و حيله گرانه است. این دسته برخلاف جرایم دسته اول ابزار مشخص و ملموس ندارد و در اینجا ابزار جرم تفکر، **درايت**، تدبیر و قلم است و آثار مادی نیز ندارد. در این گونه جرایم، افکار عمومی مستقیماً خسارت مادی نمی‌بیند اما از نظر ذهنی دچار اضطراب می‌شود، مثل احساسی ناامنی بزه دیدگان که به ندرت و یا خیلی دیر متوجه خساراتی می‌شوند که به آنها وارد شده است. بستر این جرایم خیابان و مکان عمومی نیست. در جرایم تروریستی اتفاقاً آلت جرم یا شیوه ارتکاب عمل، موضوعیت دارد. چون مرتکب این جرایم در نهایت در پی ایجاد رعب و هراس است. لذا همان طور که گفته شد آثار ذهنی جرایم

۲۵۸۲ مباحثی در علوم جنایی

تروریستی بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از آثار مادی آن است. لذا استفاده از بمب‌های صوتی که خسارت مادی ندارد اما آثار روانی بسیار شدیدی در جامعه دارد بسیار رایج است. این شیوه بلافاصله افکار عمومی را برهم می‌زند.

۲- انگیزه

در حقوق کیفری بیشتر تاکید بر روی سوء نیت و قصد مجرمانه است و انگیزه، اهمیتی در ارتکاب جرم ندارد. اما در جرم‌شناسی ما با انگیزه مجرمین سروکار داریم و بررسی قصد مجرمانه بهانه‌ای است تا جرم‌شناس از این طریق انگیزه مجرم را کشف کند. البته در حقوق کیفری استثنائاتی نیز در مورد کاربرد انگیزه وجود دارد. مثل ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی که انگیزه شرافتمندانه را از موجبات تخفیف می‌داند. اما جرم‌شناسی رسالتی دیگر دارد و ۳ هدف عمده را دنبال می‌کند:
الف- پیشگیری از جرم؛^۱

^۱. تعریف پیشگیری:

الف) تعریف عام: هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده است آن رویه را می‌توان پیشگیری دانست.

ب) تعریف خاص: «مجموعه اقدام‌هایی به جز اقدامات کیفری، که هدف غایی آن منحصرأ یا به صورت جزئی محدود کردن دامنه ارتکاب جرم یا غیر ممکن کردن، کم کردن احتمال وقوع جرم باشد.»

بنا به تعریف دیگری «پیشگیری مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیر قهر آمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم، کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود.»

x تعریف پیشگیری از سوی استاد شرمین، به نقل از:

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، -۱۳۷۸ ۷۹ منتشر در مجموعه علوم جنایی ص ۱۲۲۶.

۱. گسن، ریموند. جرم‌شناسی نظری، ترجمه مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، مجد، ۱۳۷۴، ص. ۴۷.

ب- اصلاح مجرمین؛

ج- ارائه اصلاحاتی برای حذف قوانین جرم‌زا و راهنمایی قانونگذار در این زمینه؛
در جرایم تروریستی غالباً گفته می‌شود انگیزه، سیاسی است. همان‌طور که در جرم سیاسی هم گفته می‌شود انگیزه این مجرمین شرافتمندانه و هدفشان تغییر جامعه است. لذا انگیزه شخصی نیست و مجرمین سیاسی همانند تروریست‌ها معمولاً انسانهای آرمانگرا هستند.

۳- بین‌المللی شدن

با جهانی شدن اقتصاد، جابجایی سرمایه‌ها، پدیده توریسم و جهانگردی و جابه‌جایی انسانها در سطح جهان و ایجاد شرکت‌های چند ملیتی باعث شده که جرایم تروریستی نیز جنبه بین‌المللی پیدا کند. زیرا به جای آنکه تروریست‌ها برای پیدا کردن مخاطبین خود به سراسر جهان مسافرت کنند، می‌توانند با استقرار در کشور متبوع خود منافع و سرمایه و شرکت‌های کشور هدف را مورد حملات خود قرار دهند. در این موارد با اینکه اقدامات تروریستی در یک کشور واقع شده اما سیل آنها بین‌المللی است و کشورهای متعددی را در بر می‌گیرد. مثال دیگر هدف قرار دادن توریست‌ها و جهانگردانی است که در کشور متبوع تروریست‌ها وجود دارند، این مسئله نیز به بین‌المللی شدن این جرایم می‌انجامد. به همین ترتیب جرایم سازمان یافته نیز

۲۵۸۴ مباحثی در علوم جنایی

خصیصه بین‌المللی و فرامرزی را دارند، مسایلی مثل تطهیر پول و قاچاق انسان از نظر جرم‌شناسی جرمی با خصیصه بین‌المللی است.

۴- بزه دیده موضوعیت ندارد

بدین معنا که قربانیان انتخاب نمی‌شوند و هیچ رابطه‌ای میان مجرم و قربانی وجود ندارد. مجرم هیچ شناختی از بزه دیده ندارد. در بزه‌های سنتی معمولاً جرم مبتنی بر رابطه بین مجرم و بزه دیده است. مثل رابطه دوستی، همکاری اقتصادی و ... اما در جرایم تروریستی مهم نیست چه کسی کشته می‌شود مهم این است که این عمل باعث ایجاد ناامنی و هراس شود.

لذا در جرایم مبارزه و پیشگیری از جرم قابل تصور است، زیرا بزه دیده یا وابستگان او می‌توانند مجرم را شناسایی کنند و با پلیس همکاری کنند. اما در جرایم تروریستی نوعاً بزه دیده می‌تواند همه افراد جامعه باشد. لذا بزه دیده تصادفی و ناشناخته است. پراکندگی بزه دیدگان در سطح جامعه حمایت از آنان را مشکل می‌سازد و نمی‌توان اقدامات احتیاطی انجام داد. لذا از توریسم از طریق بزه دیده نمی‌توان پیشگیری کرد. همان‌طور که می‌دانیم در جرایم عادی مجهز کردن و حفاظت از سیل مجرمانه یکی از راههای موثر و مهم در پیشگیری از جرم است.^۱

۱. منظور پیشگیری وضعی از جرم است که به صورتهای زیر انجام می‌پذیرد:

اشکال پیشگیری وضعی

۱- شیوه‌های سنتی نظارت و کنترل

در اینجا با کنترل وضعیهای مشرف بر ارتکاب جرم، خطر دستگیری و کشف جرم بالا رفته و اسباب انصراف مجرم فراهم می‌شود. در این شیوه مامورین پلیس، نگهبانان، سرایداران و فروشندگان فروشگاههای زنجیره ای کنشگران انسانی محسوب می‌شوند. اما امروزه الکترونیک هم به کمک

*x تعریف استاد گسن، به نقل از:

همان.

**xx تعریف استاد کوسن، به نقل از:

همان.

مثل عدم رفت و آمد در مکانهای خلوت، عدم استفاده از جواهرات در مکان های عمومی. بدین ترتیب ریسک ارتکاب جرم زیاد می‌شود و مجرم با سیلی مواجه می‌شود که خود را از هر نظر مجهز کرده است. و از آنجا که مجرم نیز انسانی عاقل و انتخاب‌گر است. در صورتی که ریسک و هزینه‌های ارتکاب جرم را زیاد ببیند از انجام آن صرف‌نظر می‌کند.

این گونه نظارت آمده است. دوربین های مخفی، هشدار دهنده ها، آشکار کننده ها همگی به پیشگیری وضعی خدمت می کنند.

۲- ایجاد حفاظت های فیزیکی و اقدامهای مادی

برای ایجاد مانع بر سر راه بزهکاران مصمم، به طوری که جان و مال افراد از تعرض و سرقت مصون شود، نصب نرده و حفاظ، سرعت گیر، پل عابر پیاده، دیوار های بلند.

۳- کنترل ورودیها و خروجی ها

نصب گیتهای مغناطیسی بازرسی ساکها و چمدانها هنگام ورود یا خروج از کشور

۴- کنترل ابزاری که ارتکاب جرم را تسهیل می کند

دسترسی به ادواتی که ممکن است در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گیرند را مشکل کنیم. مثلاً به جرم انگاری حمل سلاح، منع پذیرش کودکان در هتلها، مهمانسراها، رستورانها، قهوه خانه های سنتی که می تواند جلوی فرار کودکان از خانه یا مدرسه را بگیرد.

۵- ایجاد مانع سر راه ارتباط و تماس بزهکار بالقوه می توان اشاره کرد و بزه دیده و هدف بالقوه

→ ایجاد محدودیت در ساعات کار مشاغلی که خدمات مالی ارائه می دهند یا ممنوع بودن فعالیت رستورانها، کافی شاپ ها و قهوه خانه ها از ساعات ۱۰ شب به بعد.

۶- جاذبه زدایی

اگر جاذبه مالی و روانی سیل جرم کاسته شود، به طوری که منافع ارتکاب جرم کاهش یابد، جلوی ارتکاب جرم تا حدی گرفته می شود. استفاده از کارتهای اعتباری به جای پول نقد جاذبه مالی را از کیف قاپی می زداید. هویت دار کردن خودروها (دادن شماره مخفی به ماشین) امکان خرید و فروش خودروهای مسروقه و به تبع آن سرقت خودرو را کاهش می یابد.

جمع بندی

اصولاً تروریست ها پیش از هر چیز به دنبال ایجاد رعب و وحشت می‌باشند. حال این رعب و وحشت به هر طریقی ایجاد شود، آنها به مقصود خود رسیده‌اند. لذا آنها الزاماً نیازی به کشتار افراد بی‌گناه و اعمال خشونت ندارند. مثل آنچه در مورد بمب‌های صوتی گفته شد. همین طور فناوری نوین این امکان را فراهم کرده تا گروه های تروریستی با عدول از خشونت‌های عادی و شناخته شده به رفتارهای نرم مثل حملات تروریستی اینترنتی روی بیاورند و از این طریق رعب و وحشت را در جامعه دامن بزنند.

در خصوص عناصر ۴ گانه تروریسم، تحقیقی صورت گرفته است. از مجموع ۱۰۹ تعریفی که از تروریسم ارائه شده برخی عناصر در این تعاریف مشترک است.

۱- عنصر خشونت و اعمال زور ۸۳/۵٪

۲- انگیزه - رکن سیاسی ۶۵٪

۳- ترس و وحشت ۵۱٪

۴- تهدید ۴۷٪

۵- آثار روانی خشونت ۴۱/۵٪

۶- عملیات سازمان یافته ۳۲٪

۷- عنصر راهبرد و روش ۳۰/۵٪

۸- نقض قواعد حقوق بشر ۳۰٪

۹- افکار عمومی و تاثیر آن ۲۸٪

۱۰- تشخیص اعمال تروریستی از غیر آن ۲۱٪

۱۱- بی‌گناهی قربانیان - ناشناخته بودن ۱۵٪

۱۲- خشونت غیر منتظره ۹٪

۱۳- تأثیر رفتار تروریستی بر شخص ثالث ۴٪

تروریسم در حقوق فرانسه

فرانسه به عنوان یک کشور اروپایی و یک دولت سیاسی مهم در اروپا و روابط بین-المللی و یکی از ۵ عضو دائم شورای امنیت نقش مهمی ایفا می‌کند و به اقتضای موقعیت سیاسی خود مخالفین زیادی نیز داشته است. از سوی دیگر فرانسه کشوری مهاجرپذیر است و اتباع کشورهای دیگر که در آن ساکن هستند علیه حکومت‌های متبوع خود قصد اقدام داشته و معترض هستند. لذا می‌توان گفت از این نظر مأمین خوبی برای مخالفین دول مختلف جهان است. در فرانسه نخستین قوانین در زمینه تروریسم در سال ۱۹۸۰ تصویب شده است.

در ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ قانون دیگری تصویب شد که در آن قانون تروریسم تحت عنوان جرایم مربوط به اقدام فردی یا جمعی با هدف برهم زدن نظم عمومی با توسل به خشونت و ارعاب و هراس و وحشت تعریف شد. این قانون در باب اعمال تروریستی یک رشته مقررات شکلی را تعریف می‌کند که به موجب آن یک سازمان یا تشکیلات خاص مبارزه با تروریسم بوجود می‌آید و لذا از شمول آیین دادرسی عادی خارج می‌شود. بدین ترتیب جرایم تروریستی به تدریج احصا شدند.

این جرایم از نظر عنصر مادی فرقی با سایر جرایم مثل آدم ربایی قتل و تخریب، ندارند، اما آنچه آنها را تبدیل به یک جرم تروریستی می‌کند گاه انگیزه متهم و گاه اوضاع و احوال خاصی است که جرم در آن شرایط به وقوع می‌پیوندد.

این اعمال می‌توانند مصداقی جرایم علیه اشخاص و یا مصادیق جرایم علیه اموال و ... باشد. همین طور برخی از این جرایم، جرایم مانع هستند.

جرم مانع در واقع به حالاتی گفته می‌شود که به خودی خود برای جامعه ضرر خسارت و اشکالی ایجاد نمی‌کند اما استمرار آن رفتار، بیم ارتکاب جرم و یا ترس از وقوع بزه را به همراه دارد. مثل ولگردی و حمل اسلحه غیرمجاز. جرایم مانع در قانون مبارزه با تروریسم فرانسه نیز مورد جرم انگاری قرار گرفته است.

۲۵۸۸ مباحثی در علوم جنایی

در قانون مجازات فرانسه عبارت اعمال تروریستی بکار رفته و اینطور آمده است: «اعمال تروریستی رفتارهایی هستند که عمداً ارتکاب می‌یابند و اقدام فردی یا گروهی است که هدف آنها برهم زدن نظم عمومی از رهگذر ایجاد هراس و وحشت و دلهره، خشونت و ارعاب است.» ایجاد وحشت و ارعاب یعنی توسل به اعمال خشونت آمیز، تعرضات عمدی به تمامیت جسمانی و حیات افراد، آدم‌ربایی، حبس یا بازداشت غیر قانونی و هواپیما ربایی که از یک سو جرم عادی و از سوی دیگر جرمی تروریستی است. پس از جرایم تروریستی ماهیتاً جرمی مادی‌اند.

صرف‌نظر از اینکه بزه دیده یک فرد معین یا یک گروه و یا جمعیت باشد. در خصوص جرایم علیه اموال می‌توان از سرقت و تخریب، انهدام و جرایم رایانه‌ای و همین طور اعمالی که در حکم جرایم تروریستی محسوب شده‌اند مثل حمل و نقل غیر مجاز مواد انفجاری نام برد.

سلاحهای غیر مجاز، تملک بعضی از اشیاء، نگهداری و خرید و فروش بعضی از مواد شیمیایی که می‌توانند به عنوان یک سلاح شیمیایی در اعمال تروریستی مورد استفاده واقع شود و تامین مالی اعمال تروریستی نیز به عنوان جرایم تروریستی نام برده شده است.

همین‌طور جرایم زیست محیطی که مؤلفه‌های جرایم تروریستی را داشته باشد جرم‌انگاری می‌شود. زیرا محیط زیست در واقع زیست بوم بشر را تشکیل می‌دهد و مکانی که انسانها زمینه رشد متوازن و متعادل خود را در آن جستجو می‌کنند. لذا هر عملی که این اکولوژی را برهم بزند، در نهایت آثار سوء آن زندگی انسان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. یعنی اخلال در محیط زیست اخلال در سلامتی انسان را به همراه دارد. در همین راستا تامین مالی تروریست‌ها موضوعی مهم تلقی می‌شود. تغذیه مالی تروریست‌ها جرمی مستقل است. تامین کنندگان مالی تروریست‌ها از طریق قاچاق مواد مخدر، پولشویی، جابه‌جایی سرمایه‌ها و ... امکانات مالی را در اختیار

جرم‌شناسی ۲۵۸۹

گروه های تروریستی قرار می‌دهند و زمینه ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز از سوی آنها را فراهم می‌کنند. لذا تامین مالی تروریست ها جرم خطرناک و جدیدی است که از طریق گروه های دارای سازمان و تشکیلات منظم انجام می‌شود. و دارای نوعی سازمان یافتگی است. رفتار فیزیکی جرم تروریستی به صورت افعال مثبت است اما ممکن است ناشی از ترک فعل نیز باشد. به عنوان مثال می توان به مواردی مانند عدم افشای اطلاعات تروریستی و یا عدم معرفی مظنونان تروریستی اشاره کرد، اگر چه در اکثر موارد مصادیق تروریسم افعال مثبت هستند.

در مورد عنصر روانی جرایم تروریستی نیز بحث‌های بسیاری مطرح است. می‌دانیم که سوءنیت عام عامل محرک عمل مجرمانه است و در جرایم تروریستی این سوء نیت خاص است که آن را از جرایم عادی تفکیک می‌کند. برخی گفته‌اند عنصر روانی جرم تروریستی ایجاد رعب و هراس است بدون توجه به آثار مادی آن جرم. لذا همان طور که گفته شد عنصر روانی جرایم تروریستی و آثار روانی آن با عمل مادی اش متناسب نیست.

سؤال: آیا کسانی که با انگیزه سیاسی، مطالبات صنفی، با توسل به خشونت در پی رسیدن به اهداف خود هستند تروریست تلقی می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال منفی است چون در این اعمال انگیزه مرتکب کسب امتیاز و پیگیری مطالبات صنفی است. اما اگر همین گروه ها با انجام رفتارهای خشونت‌آمیز در مقام ایجاد رعب و وحشت و در جامعه باشد. در اینجا رفتار شکل تروریستی به خود می‌گیرد و دیگر جرمی عادی نیست.

مصادیق اعمال تروریستی در فرانسه

۱- قتل که ممکن است جمعی یا انفرادی باشد، اما میان قتلی که ذیل یک جرم تروریستی واقع می‌شود. با قتلی که مصداق جنایت علیه بشریت است تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله اینکه: ۱- در قتل تروریستی بزه دیده اصلی اعتباری است و در

۲۵۹۰ مباحثی در علوم جنایی

حقیقت رفتار علیه نهادهای حاکمیت اتفاق می‌افتد و بزه دیده واقعی نظم عمومی جامعه است. اما در قتلی که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود بزه دیده بشریت است. ۲- خصیصه قتل تروریستی این است که مرتکب با حذف دیگری یک نوع احساس آزاد شدن از قید و بندها را دارد، یعنی حذف فردی که نماد حاکمیت اختناق و دیکتاتوری بوده است.

۲- خشونت‌های سیاسی علیه مقامات بالای کشور و... مثل سوقصد به جان مقامات سیاسی یک کشور که از آنها به سوءقصد‌های تروریستی یاد می‌شود. ۳- حملات علیه کشتی‌ها و هواپیماها می‌تواند شکل عملیات تروریستی به خود بگیرد. ۴- آدم ربایی و گروگان‌گیری اگر با اهداف سیاسی و به قصد تحت فشار قراردادن حاکمیت باشد می‌تواند عنوان تروریست به خود بگیرد.

اشتراکات جرم سیاسی و جرم تروریستی

۱- مجرمانه بودن هر دو ۲- انگیزه در هر دو جرم نقشی اساسی ایفا می‌کند ۳- جرایمی غیر شخصی محسوب می‌شوند و به قصد کسب منافع مالی و شخصی نیست ۴- هیچ کدام جرمی سازمان یافته محسوب نمی‌شود.

وجوه افتراق جرم سیاسی و جرم تروریستی

۱- در جرم سیاسی حاکمیت مهم است و حفظ حاکمیت اهمیت دارد. اما مبنای جرم‌انگاری جرایم تروریستی نظم عمومی است و هدف تسلیم کردن حکومت در برابر خواسته های سیاسی، صنفی با توسل به خشونت است. پس حفظ نظم و اقتدار حاکمیت هدف اصلی جرم‌انگاری جرایم تروریستی است.

۲- در جرم تروریستی خشونت غالباً از ارکان ارتکاب جرم است اما در جرم سیاسی این‌گونه نیست.

جرم‌شناسی ۲۵۹۱

۳- در جرم سیاسی انگیزه مجرم، ارتکاب و ایجاد رعب و وحشت در جامعه نیست، در حالیکه ایجاد رعب و هراس به منظور ایجاد تزلزل در حکومت از ارکان جرم تروریستی محسوب می‌شود.

۴- در جرم تروریستی میان عمل و آثار آن تناسب وجود ندارد.

۵- در جرم سیاسی بزه دیده موضوعیت دارد، مثل رئیس اداره یا نهادهای حاکمیت در حالی که سیل جرایم تروریستی نامعین و ممکن است افراد بی‌گناه کشته شوند.

۶- مرتکبین جرایم سیاسی افرادی متفکر و اندیشمند و آرمان‌گرا هستند. اما در جرایم تروریستی فقط رهبران این گروه‌ها ممکن است چنین خصیصه‌ای داشته باشند، اما مرتکبین آن اکثراً عوام الناس و افرادی از قشر ضعیف جامعه هستند. همچنین مرتکبین این دو جرم را از نظر عوامل محیطی یا ذاتی یا شخصی و عوامل وضعی که منجر به ارتکاب این جرایم شده می‌توان بررسی کرد.

در جرم‌شناسی اعتقاد بر این است که جرم محصول جمع شخصیت فرد که برآیند عوامل فردی و محیطی است به اضافه وضعیت یا موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم است.

جرم = وضعیت پیش مجرمانه + شخصیت = ۱- عوامل فردی ۲- عوامل محیطی

عوامل محیطی

مجموعه عواملی است که از قبل شکل گرفته که با وضعیت یا عوامل وضعی برای ارتکاب جرم کامل می‌شود. حذف وضعیت پیش جنایی به معنای حذف شخصیت مجرمانه نیست. شخصی که گرایشات پیش مجرمانه در او شکل گرفته مصمم به ارتکاب جرم است.

البته در جرایم سیاسی و تروریستی انگیزه اصلی از ارتکاب جرم رسیدن به آرمانهای متعالی و مسایلی غیر از منافع شخصی است، لذا مرتکبین این جرایم دارای

۲۵۹۲ مباحثی در علوم جنایی

شخصیتی جنایی به معنای مرسوم در جرم‌شناسی نیستند، یعنی این افراد در گذشته خود مشکلات تحصیلی، فرهنگی، خانوادگی و ... نداشته و چه بسا از این مسایل به طور کامل بهره‌مند شده‌اند. لذا مجرم عادی نیستند.

ضمن اینکه این جرایم با گروهی عمل کردن ملازمه دارد. می‌توان گفتن مرتکبین جرایم تروریستی و سیاسی از نظر عوامل وضعی و اوضاع و احوال پیش از جرم با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. از دیگر تفاوت‌های جرم سیاسی و تروریستی می‌توان به این نکته اشاره کرد که جرایم سیاسی اصولاً بین‌المللی نیستند و جرمی درون حاکمیتها محسوب می‌شود. لذا برخلاف جرایم تروریستی عناصر بین‌المللی در جرایم سیاسی جایگاهی ندارد.

رابطه حقوق کیفری داخلی و حقوق بین‌المللی کیفری

تعامل این دو حوزه معمولاً از پایین به بالاست. حالت متعارف این است که حقوق بین‌المللی کیفری از حقوق داخلی پیروی نموده است، به عنوان مثلاً جرم ارتشاء، اختلاس و جرایم مربوط به فساد مالی ابتدا در حقوق داخلی مطرح شده بود و بعدها اسناد بین‌المللی با الگو برداری از این مفهوم مصادیق بین‌المللی آن را نیز تعریف کردند. حالت دوم: حقوق بین‌المللی در رأس قرار دارد که دو شکل مختلف برای آن قابل تصور است:

۱- حقوق بین‌المللی با برداشت از حقوق داخلی پدیده‌ای را جرم انگاری می‌کند که در این صورت مدیون حقوق داخلی می‌باشد، البته در اسناد بین‌المللی این مفاهیم (ارتشاء، اختلاس و...) شکل جدیدی به خود گرفته و تغییرات عمده‌ای کرده است. این امر یک تعامل صعودی و از پایین به بالاست.

۲- حقوق بین‌المللی در جرم‌انگاری و ایجاد برخی از جرایم ابتکار عمل را در دست دارد. در این حالت به اقتضای جریان‌ات بین‌المللی و رفتارهای نامشروع دولت

ها، جرم جدیدی تاسیس می‌شود که در حقوق داخلی نمونه و شبیه آن جرم یافت نمی‌شود. لذا زمانی که دولتها به چنین کنوانسیون‌هایی ملحق می‌شوند، تعهد دارند که آن جرم را در قوانین داخلی خود پیش بینی کنند، مثلاً سرقت مواد پرتوزای هسته‌ای باید به صورت مستقل و با یک عنوان مجرمانه خاص جرم‌انگاری شود. نمونه دیگر از این دست، پولشویی است که باید به عنوان یک عمل مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گیرد.^۱

جرایم تروریستی: از عرصه بین‌المللی به حقوق داخلی

می‌توان گفت جرایم تروریستی ابتدائاً در عرصه بین‌المللی و اسناد بین‌المللی مطرح شد و دولتها به عنوان تکلیف بین‌المللی خود و بنا به ضرورت‌های داخلی از مفاهیم بین‌المللی برای تعریف تروریسم استفاده کرده‌اند. مثلاً در ایران بیان مصادیق تروریسم مصادف است با ایامی که ایران به اسناد بین‌المللی ملحق شده است.

سومین حالت زمانی است که هم زمان یک عمل در عرصه داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری شده است. نمونه کلاسیک برای این حالت موضوعات زیست اخلاقی است. مثل جرم‌انگاری موارد نقض اخلاقی، علمی، فنی و اخلاق پزشکی (شبیه سازی، تولید سلاح‌های نامتعارف و...) چون این اعمال با اخلاق خلقت و کرامت بشر و معنویت او در تعارض است، لذا باید جرم‌انگاری شود. امروزه شرکت‌های بسیاری هستند که به منظور کسب منافع مادی اقدام به تاسیس بانک کلیه، چشم و رَحِم

کرایه‌ای کرده‌اند. این رفتارها نقض قوانین زیست اخلاقی است. نقض اخلاق زیستی در اسناد بین‌المللی دارای ضمانت اجرای کیفری است.

لذا حقوق کیفری از تمامیت معنوی انسان در برابر دست آوردهای جدید بیولوژیک محافظت می‌کند. برخی ادعا کرده‌اند که می‌توان از انسان شبیه سازی شده مثل یک موش آزمایشگاهی برای یافتن دارو در بیماریهای خطرناک استفاده کرد. اما سؤال اینجاست که آیا اصولاً انسان حق دست بردن در نظام تولید مثل طبیعت را دارد؟ البته کنوانسیون‌هایی که در این زمینه‌ها تصویب شده است شامل اهدا عضو نمی‌شود.

تروریسم هر دوی این جنبه‌ها (ملی و بین‌المللی) را با هم دارد. لذا هم بر اسناد بین‌المللی و هم حقوق داخلی تأثیر گذاشته است.

از آنجا که اسناد بین‌المللی مبتنی بر امنیت مداری است لذا در رویکرد به جرایم تروریستی بر سرکوب و سخت‌گیری در آن تأکید می‌شود. در کنوانسیون‌های مختلف یک سلسله ساز و کارهای ماهوی و شکلی اختصاصی برای مبارزه علیه تروریسم با کشورهای تکلیف شده است که این ساز و کارها بعضاً نوعی عدول و عقب نشینی از تضمینات متعارف مربوط به حقوق متهم است. لذا ضابطین بازپرسان و قضاتی که به جرایم تروریستی رسیدگی می‌کنند معمولاً نسبت به سایر قضات باید از برخی امتیازات برخوردار باشند.

سیاست آیین دادرسی کیفری فرانسه در قبال جرایم تروریستی

سیاست تضمین حقوق متهم اولین خصیصه‌ای است که از سیاست متمرکز کردن مدیریت قضایی در امر مبارزه با تروریسم پیروی کرده است. در این زمینه یک نوع تمرکز در حقوق فرانسه وجود دارد. یعنی مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی ماهوی جملگی در پاریس بررسی می‌شود. لذا حتی اگر جرم در شهر دیگری واقع

۱. در این زمینه بنگرید به :

--- ، مبارزه با پول شویی در بانکها و موسسات مالی - نگاهی به قانون ضدتروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ، شماره ۲۹ ، پاییز ۱۳۸۲

جرم‌شناسی ۲۵۹۵

شده باشد. دادگاه آن شهر باید قرار عدم صلاحیت جهت ارجاع به دادسرای پاریس صادر کند که این یک استثنا است.

ایرادی که به سیاست تمرکز گرایی وارد است این است که تشریفات دادرسی یک کارکرد عبرت آموزی دارد و متهم در محل وقوع جرم باید محاکمه شود تا باعث عبرت دیگران شود. محاکمه کیفری و اجرای مجازات یک کارکرد بازدارنده و ارعابی دارد و با الزام حضور متهم در پایتخت این اهداف تامین نمی‌شود. قانونگذار فرانسه با وجود این ایرادها برای دادسرای پاریس و مراجع پایتخت نوعی صلاحیت اضافی در نظر گرفته است.

چرا در مبارزه با تروریسم اصول کلاسیک کنار گذاشته می‌شود؟ دلیل اول آنکه مخاطب اعمال تروریستی برخلاف جرایم متعارف، نظم محلی نیست، بلکه مخاطب تروریست، نظم عمومی کل کشور است. می‌دانیم که حاکمیت، متولی نظم عمومی می‌باشد. لذا هدف قرارداد حاکمیت، هدف گرفتن امنیت و نظم عمومی جامعه نیز هست لذا محاکمه متهمین جرایم تروریستی در پایتخت انعکاس بیشتری دارد، چون سیل مورد هجوم تروریست‌ها برای حاکمیت‌ها ارزش زیادی دارد. لذا متمرکز بودن دادرسی به ارتقای کیفیت آن کمک می‌کند. دلیل دوم: در تمرکز گرایی برای مبارزه با تروریسم چون سبیل مجرمانه، حاکمیت است لذا این تمرکز به جمع‌آوری یک بانک اطلاعاتی و بانک خبری راجع به این اعمال منجر خواهد شد. بنابراین دادسرای پاریس محل نگهداری کلیه اطلاعات می‌شود. دلیل سوم: این مسئله به تخصصی شدن مباحث مربوط به تروریسم در بین قضات بازپرسان و ضابطین منتهی می‌شود. لذا تعقیب و محاکمه مجرمین تروریستی در این مراکز باید انجام شود و تخصص گرایی موضوعیت پیدا کند.

اولین اصل مربوط به آیین دادرسی این است که درباره تحقیق و تفتیش در مورد جرایم عادی، ساعات مشخص و محدودی وجود دارد و محدودیت‌های حقوق

۲۵۹۶ مباحثی در علوم جنایی

بشری در مورد آن اعمال می‌شود. اما در مورد جرایم تروریستی ضابطین از اختیارات ویژه برخوردارند و به عنوان مثال می‌توانند مظنونین را در معابر عمومی بدون اینکه جرم مشهودی اتفاق افتاده باشد و بدون اینکه نمودهای ملموس ارتکاب جرم واقع شده باشد، دستگیر کنند. به صرف مظنون شدن به یک مسافر می‌توانند مدارک مثبت هویت او را درخواست کنند. در مواردی که فرد از دادن مدارک خودداری و یا مدارک جعلی داشته باشد پلیس می‌تواند برای تکمیل تحقیقات او را به کلانتری برده و به مدت ۴ ساعت بازداشت کند. در اینجا بدون اینکه جرمی واقع شده باشد مبارزه با تروریسم با حقوق فردی انسانها تعارض پیدا می‌کند.

همین طور قانونگذار فرانسه به ضابطین اجازه داده است متهمین به ارتکاب جرایم تروریستی را تا ۹۶ ساعت در بازداشت نگه دارند. بعد از حادثه متروی لندن ضابطین انگلیس مجاز شدند متهمین تروریستی را تا ۲۸ روز در حبس نگه دارند. این در حالی است که مدت قانونی بازداشت موقت ۲۴ ساعت است. در اینجا به نام مبارزه با تروریست اختیارات فراوانی به ضابطین داده شده است.

سزادهی در جرایم تروریستی

همان طور که دیدیم حقوق کیفری، سیاست سخت‌گیرانه و سزاگرا را در قبال جرایم تروریستی در پیش گرفته است. اما آیا این سیاست از نگاه جرم‌شناسانه نیز قابل تایید است. از مهمترین انواع پیشگیری از جرم از نگاه جرم‌شناسی پیشگیری وضعی است. هدف از پیشگیری وضعی افزایش خطر ارتکاب جرم افزایش تلاشهای مرتکب جرم و همین طور کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم می‌باشد.

در باب افزایش خطرات ارتکاب جرم برخی از این موارد توصیه شده است: ۱- افزایش تلاش به منظور کم کردن آماج جرم ۲- نظارت مکانیکی از طریق نصب دوربین‌های مدار بسته. ۳- افزایش مامورین در حال گشت زنی به طور نامحسوس.

مرتکبین بالقوه با علم به این نظارتها برای ارتکاب جرم هزینه بالاتری می‌پردازند و حتی ممکن است از ارتکاب جرم صرف نظر کنند. جرم‌شناسی چنین راه‌حلی را به عنوان مُسکن (راه حل های مقطعی) برای پیشگیری از جرایم تروریستی پذیرفته است. چون نوعی محدودیت فنی ایجاد می‌کند. هر چند استفاده از این فن آوری‌های نوین به منظور پیشگیری وضعی از جرم به نوعی حریم خصوصی افراد را از بین می‌برد و همه مراحل شخصی زندگی ما را زیر نظر دارد. لذا حتی این تصاویر ممکن است بعدها مورد سوءاستفاده قرار گیرد. پیشگیری وضعی در هر حال شمشیری دولبه است. در عین حال که جلوی ارتکاب جرایم تروریستی را می‌گیرد، خلوت افراد را نیز برهم می‌زند و حقوق بشر را زیر سؤال می‌برد.

نتیجه‌گیری

امروزه یافته‌های جرم‌شناسی نیز در خدمت سیاست سرکوبگرانه دولتها در امر مبارزه با تروریست قرار گرفته و اتفاقاً رفتارهای سزاده را تجویز می‌کنند. لذا یک نوع شدت عمل مضاعف وجود دارد. لذا در جرایم تروریستی اختیارات گسترده برای بازدید منازل، ضبط اموال، شنود تلفن‌ها و بازکردن ایمیل‌ها در نظر گرفته شده است. مقام قضایی دستور شنود و مکالمات اداری و خصوصی را صادر کند و در برخی از کشورها از نظر اداری همین اختیار برای نخست‌وزیر نیز پیش‌بینی شده است.

یا isp هایی که خطوط اینترنت را در اختیار کاربران قرار می‌دهند مکلف هستند به مدت یک سال عملیات کاربران خود را حفظ کنند و هر گاه لازم شد این داده‌ها به مقام قضایی تحویل داده شود^۱.

اقدام دیگر در امر مبارزه تهیه فیش‌های vat است (violence attack terror) که در آن اطلاعات تفصیلی راجع به تروریست‌ها تهیه می‌شود. این پرونده مربوط به مجرمین جرایم تروریستی است که البته با پرونده شخصیت که برای فردی کردن مجازات می‌باشد متفاوت است و هدف ایجاد بانک اطلاعاتی و امکان تبادل اطلاعات با سایر دول می‌باشد.

مجازات جرایم تروریستی در فرانسه

در فرانسه مجازات جرایمی که به شکل متعارف انجام شود حداکثر ۳۰ سال حبس است اما اگر همان جرایم شکل تروریستی به خود بگیرد مجازات تبدیل به حبس ابد می‌شود. مثلاً تخریب یک ساختمان دولتی به قصد انتقام‌گیری از دولت بابت حقوق پایین چنانچه با انگیزه تروریستی باشد به حبس ابد تبدیل می‌شود. لذا جرم تروریستی همواره با کیفیات مشدده مواجه بوده است. جرایم عمومی که مجازات آن ۲۰ سال است در صورتی که با هدف تروریستی انجام شود ۳۰ سال حبس دارد.

اما اعمالی مثل تامین مالی تروریست‌ها یا همکاری با تروریست‌ها به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری شده و مجازات مستقل نیز برای آن پیش‌بینی شده است.

مجازات احاله‌ای

اصولاً در نظام جرایم و مجازات‌ها اصل قانونی بودن جرایم حاکم است اما در مواردی چه در حقوق ایران و چه در فرانسه ما با روش مجازات احاله‌ای مواجه هستیم.

جوانمرد ، بهروز ، مطالعه تطبیقی سیاست تسامح صفر در حقوق کیفری ایران و آمریکا ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، به راهنمایی علی صفاری ، دانشگاه شهید بهشتی ، مرداد ۱۳۸۷ ، صص ۳۲-۳۶

۱. در این زمینه و برای مطالعه بیشتر ، نک به :

منظور از مجازات احاله‌ای این است که قانونگذار جرایم جدیدی را تعریف می‌کند، مثل جرایم مربوط به بورس اوراق بهادار، پولشویی، تطهیر و... مجازات آن را به قانون دیگری احاله می‌دهد.

۱- مثل اینکه بگویید مجازات این جرم همان مجازات فلان جرم است.^۱

۲- یا اینکه مجازات را احاله دهد به فلان ماده قانون مجازات اسلامی. این تفکیک ایراداتی دارد مثل اینکه مثلاً آیا این جرم جدید همان جرم کلاهبرداری است؟ یا مشابه آن است؟ یا هم خانواده هستند یا از نظر درجه اهمیت و مصلحت مورد نظر، این عمل شبیه کلاهبرداری است؟ اگر مجازات جرم کلاهبرداری عوض شود آیا مجازات این جرم جدید هم عوض می‌شود؟ آیا کلیه رژیم های حقوق ناظر به کلاهبرداری (عفو، تخفیف، تشدید، تبدیل) شامل جرم مورد نظر ما نیز خواهد شد؟ چون در حقوق ما برخی جرایم مشابه هم و در حکم هم تلقی می‌شود. مثل کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت.

روش احاله‌ای در امر مبارزه با تروریسم در فرانسه

در بحث تروریست مشاهده می‌شود که قانونگذار از فرانسه چنین روشی را پذیرفته است. چنانچه جرم انجام شده از جرایم عمومی باشد که به علت وجود انگیزه خاص در آن به جرم تروریستی تبدیل شده است در این صورت غیر از مجازات جرم

عمومی، حبس اضافی هم برای آن در نظر گرفته شده است. و به عنوان جرم مستقل تعریف نمی‌شود. البته در جرایم تروریستی مستقل، مجازات مستقل نیز تعریف شده است. پس در یک بیان کلی می‌توان گفت سیستم احاله‌ای با اصل قانونی بودن و اصل جهل به قانون تعارضاتی دارد. چون به هر حال قانون مجازات قانون توزیع مجازاتهاست و مجرمین بر اساس و با توجه به آن مرتکب جرم می‌شوند. تعیین مجازات در کنار جرم به لحاظ اهمیت و وخامت جرم، موضوعیت دارد. اما چرا روش احاله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

۱- گاه جرم تعریف می‌شود ولی نمی‌توان به آن عنوان مستقل داد. لذا قانونگذار سعی می‌کند این جرم را شبیه جرایم کلاسیک و جا افتاده نشان می‌دهد تا فهم درستی از آن جرم در ذهن مخاطبین ایجاد شود و به نوعی جرایم هم خانواده ایجاد می‌کند.

۲- در پاره از موارد دیگر احاله دادن به این معنی است که این عمل مثل عمل دیگر است. مثلاً در قانون مجازات اسلامی تخریب ساختمان دولتی ۳۰ سال حبس دارد اما اگر به قصد تشویش اذهان عمومی باشد مجازات محاربه اعمال خواهد شد. با آوردن یک کلمه صلاحیت دادگاه تغییر می‌یابد و آثار جرم تعزیری تبدیل به حدی می‌شود. همان طور که مشاهده گردید این شیوه قانونگذار دارای ایرادات فراوانی است. لذا در سالهای اخیر بر اصل کیفی بودن قوانین کیفری تاکید شده است.

اصل کیفی بودن قوانین کیفری

منظور از این اصل آن است که ۱- متن قانون باید صریح و دقیق باشد. ۲- قابلیت پیش‌بینی آثار اعمال قانون و اجرای محکومیت را داشته باشد. ۳- در دسترس باشد. یعنی قوانین کیفری به ساده‌ترین لحن در اختیار مخاطب باشد. همه مجازات ها حتی آنهایی که تبعی است باید در قانون ذکر شود.

۱. به عنوان نمونه نک به :

ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۶ : « هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زناى به عتف محکوم می‌شود.»

شرایط اعمال مجازات تروریست در فرانسه

باب جرایم تروریستی اعم از خاص، مستقل یا جرم عمومی در مرحله اجرا تحت رژیم خاصی قرار می‌گیرد.

قانون مجازات عمومی فرانسه برای تروریست های محکوم به حبس، دوره تامینی در نظر گرفته است. یعنی در دوران حبس، محکوم علیه از امتیازات تعلیق آزادی مشروط و عفو و مرخصی محروم است. در دوره تامین، محکومین جرایم تروریستی در یک بند خاص و با سخت‌گیری شدید مواجه هستند. در انتهای این دوره حبس واقعی لحاظ می‌شود. در طی دوران آزادی مشروط در باب مجازات های تروریستی، مجازات های تکمیلی هم در نظر گرفته شده است. مانند ممنوعیت از حقوق شهروندی، ممنوعیت پرداختن به مشاغل عمومی و سرانجام ممنوعیت اقامت در صورتی که محکوم از اتباع خارجی می‌باشد. در این فرض دولت فرانسه می‌تواند مرتکب را اخراج کند.

اعمال مجازات اخراج علیه اتباع غیر فرانسوی، مجازاتی مضاعف است که علیه فرانسوی ها اعمال نمی‌شود. این مجازات که بر اساس تابعیت مرتکب انجام می‌شود مخالف موازین حقوق بشر است.

مسئولیت اشخاص حقوقی

در فرانسه شخص حقوقی نیز مسئولیت کیفری دارد. در جرایم تروریستی نیز به همین گونه عمل می‌شود، برای اشخاص حقوقی دو نوع مجازات در نظر گرفته شده است. ۱- جریمه نقدی که ۵ برابر اشخاص حقیقی است ۲- انحلال موسسه ۳- ممنوعیت موقت یا دائمی از فعالیتهای اجتماعی، صدور چک، شرکت در مناقصه ۴- انتشار حکم محکومیت.

حقوق ایران و جرایم تروریستی

در این زمینه می‌توان قواعدی را که در زمینه پرواز از هواپیماها، کشتی‌ها، اقدامات موسسات دولتی و غیر دولتی وجود دارد را بررسی کرد.

امنیت پرواز

در مورد امنیت مسافران هواپیما کنوانسیون وجود دارد که دولت ایران نیز به این کنوانسیون ملحق شده است. در مجموعه قوانین داخلی نیز قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ قابل استناد است. این قانون در ماده ۲۳ مقرر کرده است: « هر کس به قصد ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن علامت هواپیمایی تقلبی به کار برد ... به مجازات ... محکوم می‌شود.»^۱ این ماده به قصد ایجاد خطر اشاره می‌کند. اما شباهتی با اعمال تروریستی وجود ندارد. زیرا به عنصر انگیزه اخلال در نظم عمومی - اشاره‌ای نکرده است. معذالک چون هواپیمایی در آن سالها دولتی بود و هواپیما به اعتبار پرچمی که حمل می‌کند جز قلمرو دولت صاحب پرچم محسوب می‌شود لذا تعرض به آن می‌توانسته شکلی از عملیات تروریستی باشد.

۱. ماده ۲۳ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱ مرداد ماه ۱۳۲۸ (کمسیونهای راه و دادگستری):

« هر کس به قصد ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن علامت هواپیمایی تقلبی به کار برد به نحوی که بتوان آن را علامت حقیقی مخصوص هواپیمایی تلقی نمود یا علامت هواپیمایی موجود را غیر قابل استفاده سازد یا مانعی در مقابل هواپیما ایجاد یا اطلاع غلط دهد یا هر گونه عملی به منظور ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن انجام بدهد به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و در صورتی که از عمل او قتل یا جرح واقع شود مرتکب به مجازاتی که برای نفس جرم مزبور مقرر است نیز محکوم خواهد گردید و مجازات اشد قابل اجرا است.»

در سال ۴۹ قانون مجازات اخلاک‌گران در امنیت پرواز خرابکاران در تاسیسات هوایی تصویب شد. براساس این قانون چنانچه کسانی که به هواپیمای آماده پرواز یا در حال پرواز تعرض کنند و یا اینکه موجب تغییر مسیر شوند. یا هواپیما را در نقطه-ای غیر از مقصد ببرند مجازات خواهد شد. در این قانون بدون اینکه منظور مرتکب را ذکر کند اخلال در امنیت پرواز را اخلال در امنیت کشور دانسته است. یعنی به طور کلی چنین رفتاری می‌تواند مصداقی از جرم تروریستی باشد بدون اینکه این عنوان را به کار برده باشد.^۱

^۱ قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل و تاسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹،۱۲،۴ ماده واحده -

۱- کسانی که با اجبار یا ارباب و تهدید یا اعمال خدعه و نیرنگ هواپیمای آماده برای پرواز یا در حال پرواز را در اختیار بگیرند یا به نحوی از اختیار مسئولین خارج ساخته و موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما شوند یا در نقطه‌ای غیر از مقصد هواپیما را مجبور به فرود نمایند به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند و در صورتی که ارباب و تهدید با استفاده از سلاح یا مواد منفجره یا محترقه یا خطرناک دیگر صورت گیرد چنانچه مرتکب یک نفر باشد به حداکثر مجازات مقرر بالا و اگر بیش از یک نفر باشند به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم می‌شوند.

هر گاه مرتکبین هنگام ارتکاب جرایم مندرج در این ماده نسبت به هر یک از افراد گروه پرواز یا مسافران مرتکب ضرب یا جرح یا قبل یا خرابی هواپیما یا هر گونه جرم دیگری شوند برای هر یک از جرایم مذکور به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

۲ - کسانی که به منظور اخلال در پرواز یا خرابکاری در هواپیما عالماً عامداً اشیایی با خود در هواپیما حمل نمایند و یا به نحوی از انحاء در هواپیما قرار دهند و یا با هواپیما ارسال دارند یا مرتکب عمل دیگری شوند که موجب شود به هواپیما و یا مسافری یا گروه پرواز و یا اموال موجود در آن آسیب برسد به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۵ سال محکوم خواهند شد و در صورتی که اقدامات مذکور منجر به قتل نفس شود مجازات مرتکب اعدام خواهد بود.

۳ - کسانی که با اجبار یا ارباب و تهدید یا خدعه و نیرنگ در فرودگاه‌ها یا تاسیسات آن یا ایستگاه‌های ناوبری هوایی اخلال کنند یا با سوء نیت در کار تاسیسات ناوبری مانعی ایجاد نمایند یا با توسل به زور و تهدید یا خدعه و نیرنگ انجام وظیفه مأموران مسئول حفظ ایمنی پرواز و هدایت هواپیما را دشوار یا غیر ممکن سازند یا کار دستگاه‌های ناوبری را از مجرای صحیح خود خارج نمایند به حبس تأدیبی → از یک تا سه سال محکوم خواهند شد مگر اینکه عمل مرتکب منجر به وقوع جرم دیگری گردد که در آن صورت مرتکب به مجازات هر یک از جرایم که مجازات آن شدیدتر باشد محکوم می‌گردد.

۴ - هر یک از کارکنان فرودگاه‌ها یا شرکتها یا مؤسسات هواپیمایی یا سازمانهای انتظامی فرودگاه‌ها یا سازمانهایی که به نحوی در امر پرواز یا در فرودگاه‌ها وظیفه‌ای بر عهده دارند در ارتکاب جرایم مذکور در این قانون معاونت یا شرکت داشته باشند به حداکثر مجازاتی که برای فاعل آن جرم مقرر است محکوم خواهند شد.

۵ - هر یک از مرتکبین جرایم مذکور در این قانون قبل از اتمام عمل خود نادم گردد و از ادامه آن خودداری کند از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود مگر آنکه ضمن اقدام خلاف قانون خود مرتکب جرایم دیگری شده باشد که در این صورت فقط به مجازات همان جرایم محکوم می‌شود.

۶ - کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرایم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذیصلاح اعلام نمایند به مجازات معاون جرم محکوم خواهند شد.

۷ - مرجع اظهار نظر در امور فنی مربوط به این قانون هواپیمایی کل کشور است.

۸ - رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون منحصراً در صلاحیت مراجع قضایی پایتخت است.

۹ - استرداد متهمین یا محکومین به ارتکاب جرایم موضوع بند یک این قانون طبق قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ به عمل خواهد آمد.

قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز شنبه ۱۳۴۹،۱۰،۱۲ در جلسه روز سه‌شنبه چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و چهل و نه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

جرم‌شناسی ۲۶۰۵

بر اساس ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی «... هر کس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری...» این عمل یکی از مصادیق جرم تروریستی است. در واقع قانونگذار بدون اینکه قانون جامعی در امر مبارزه با تروریست تصویب کرده باشد مصادیقی را در جای جای قانون ذکر کرده که کشف و انطباق آن با قاضی است.^۱

در حقوق فرانسه در یک تقسیم بندی کلی دو شکل از تروریسم پیش‌بینی شده است. ۱- جرایم عمومی تروریستی- یعنی وقتی جرمی با یک انگیزه خاص مثل براندازی حکومت انجام گیرد ۲- جرایم اختصاصی تروریستی مثل تروریست زیست محیطی. در کشور ما لایحه مبارزه با تروریسم در سال ۸۳ در مجلس شورای اسلامی در شرف تصویب بود که این اتفاق نیفتاد. در ماده سه این لایحه در بحث از تروریسم هوایی آمده بود: هر یک از اعمال زیر صرف نظر از نتیجه و انگیزه جرم تروریستی تلقی می‌شود. در ماده ۴ همین لایحه تدوین کنندگان از این نیز فراتر رفته و کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص و کنوانسیون های بین‌المللی جرم تروریستی تلقی شده است و دولت ایران به آن ملحق شده جرم تروریستی تلقی کرده بود. با ذکر این نکته قوانین خاص، برخی از مصادیق ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی و

۱. در لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ذیل میحث اخلال در امنیت راه و ترابری آمده است: «هر کس به قصد برهم زدن امنیت راه‌ها یا تشویش اذهان عمومی، راه‌ها، یا علائم ایمنی مربوط به آنها را تخریب کند یا علائم انحرافی یا یا غیر واقعی نصب کند یا وسایل نقلیه افراد را متوقف یا تخریب کند به حبس از سه تا ده سال و چنانچه رفتارهای فوق با سلاح یا مواد منفجره یا خطرناک باشد مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد. بدین ترتیب در لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی نیز علی‌رغم اشاره به این موضوع، باز هم عنوان و اصطلاح تروریسم مورد استفاده قرار نگرفته است.

۲۶۰۶ مباحثی در علوم جنایی

همین‌طور قانون اخلالگران در تاسیسات نفت و... تروریستی محسوب می‌شوند. هرچند به ماده ۴ این ایراد وارد است که مجازاتی در آن پیش‌بینی نشده است. به موجب ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. لذا در عموماً و اصول عمومی قاضی می‌تواند به کنوانسیون ها استناد نماید. البته تعیین مجازات جرایمی که در کنوانسیون ها ذکر شده برعهده دولتهاست. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تنها سندی است که در آن مجازات جرایم نیز پیش‌بینی شده است.

لایحه مبارزه با جرایم تروریستی

در ماده ۳ این لایحه اعمالی را مشخص کرده و عنوان نموده که این اعمال صرف‌نظر از انگیزه و نتایج حاصله تروریستی محسوب می‌شوند: الف) اعمال خطرناک برای امنیت پرواز ب) تصرف و کنترل غیر قانونی هواپیمای درحال پرواز ج) ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافری.

همین‌طور جرایم علیه امنیت کشتی رانی جرم تروریستی محسوب می‌شود. در بند(۴) ماده ۳ لایحه آمده است: تصرف غیر قانونی کشتی یا کنترل غیر قانونی کشتی یا تخریب و آسیب وارد کردن به کشتی به گونه‌ای که ایمنی کشتی رانی به خطر بیفتد، ارائه اطلاعات و ارتکاب دزدی دریایی در بند (ه)، تصرف یا کنترل غیر قانونی سکوها و تاسیسات مستقر در فلات قاره یا ارتکاب اعمال خشونت بار یا ارتکاب هر گونه عمل نسبت به این سکوها و تاسیسات به نحوی که برای آنها خطرناک باشد. اعمالی که علیه وسایل و تاسیسات عمومی و دولتی مثل برق، راه‌آهن، نفت، گاز، فضای سبز و هرچیزی که مربوط به عمل دولتها به عنوان تصدی‌گری محسوب می‌شود، ارتکاب می‌یابد، تروریستی است. قانونگذار خرابکاری در تاسیسات عمومی را به صورت مستقل جرم انگاری نموده است.

جرم‌شناسی ۲۶۰۷

اولین قانون در این زمینه لایحه قانونی قطع و تخریب وسایل مخابراتی و برق مصوب ۱۳۳۱ است. در ماده یک این ماده این اعمال تعریف شده است.^۱ در قانون دیگری موسوم به قانون مجازات اخلاصگران در تاسیسات آب، برق، گاز، و مخابرات همین موارد ذکر شده و لایحه اخیر را به نوعی نسخ کرده است. این قانون در سال ۵۱ تصویب شد.^۲ یعنی زمانی که دور جدید مبارزات علیه شاه آغاز شده بود و

۱. لایحه مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۳۱.

ماده ۱ - هر کس وسایل مخابرات کشور را از تلگراف و تلفن و دستگاه‌های فرستنده و گیرنده خبر دولتی و همچنین مراکز و سیم کشی های برق شهرها و قصبات را اعم از آن که سیم کشها متعلق به ادارات دولتی و شهرداری و مجلسین شورای ملی و سنا و یا متعلق به کارخانه‌های دولتی و غیره و بنگاه‌های ملی و عمومی باشد به منظور اخلاص در نظم و آرامش عمومی و یا پیشرفت مقاصد سیاسی تخریب کند که از این راه موجبات قطع ارتباط و یا تاریکی و تعطیل را فراهم سازد به حبس مجرد از ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه عملیات مزبور یک یا چند نفر کشته شود جزای مرتکب اعدام است.

۲. قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در تاسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲
ماده ۱ - هر کس به منظور اخلاص در نظم و امنیت عمومی در تاسیسات فنی آب و برق و گاز و مخابرات دولتی و وسائل و متعلقات آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها و همچنین دستگاههای مخابراتی و ارتباطات مملکتی از قبیل تلفن و تلگراف و رادیو و تلویزیون و مایکروویو و وسائل مربوط که به هزینه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش خصوصی یا از طرف بخش خصوصی به منظور استفاده عمومی ایجاد شده مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن و یا هر نوع خرابکاری دیگر بشود به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمانهای مربوط باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

در صورتی که اقدامات مذکور منتهی به مرگ شخص یا اشخاص شود مجازات مرتکب اعدام خواهد بود.

۲۶۰۸ مباحثی در علوم جنایی

خرابکاری در تاسیسات عمومی وسیله‌ای مناسب برای مبارزه با حکومت بود. در قانون فعلی ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی در همین زمینه است که تبصره همین ماده به بیان کیفیات مشدده پرداخته و مجازات محارب را برای مرتکب در نظر گرفته که به نظر می‌رسد مصداقی برای جرایم تروریستی باشد. از آنجا که این ماده و تبصره آن در فضایی فقهی و با نگرش فقهی نوشته شده است از لفظ محارب استفاده شده است.

تعریف تروریسم در لایحه

ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت‌آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تأثیرگذاری برخط مشی تصمیمات و اقدامات دولت و سایر کشورها و یا سازمانهای بین‌المللی جرم تروریستی است. در این لایحه در ماده ۳ بند ط و ماده ۲ در بند ج و د یا بنده به اقدام علیه تاسیسات عمومی و غیر دولتی اشاره شده است.

در بند ۳ ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (موسوم به احیاء دادرسی) توطئه علیه جمهوری اسلامی و ترور و تخریب موسسات عمومی را مورد نظر قرار داده است. در قانون ایران در مواردی که انگیزه مرتکب ایجاد تشویش اذهان عمومی و ناامنی است. از جرم عمومی و تعزیری خارج و آن را تبدیل به جرم حدی می‌کند که این نوعی مکانیزم تشدید مجازات است با شرایطی یعنی وصف مجرمانه حفظ می‌شود و فقط ساز و کار اعمال مجازات تغییر و تشدید می‌شود.

در مورد آدم ربایی نیز در ماده ۶۲۱ همین ساز و کار تعریف شده است و مثلاً اگر شخص ربوده شده طفل زیر ۱۵ سال باشد مجازات تشدید می‌شود. این شیوه تشدید

جرم‌شناسی ۲۶۰۹

مجازات با اصول کلی حقوق جزا در تعارض است. چون ارکان جرم تغییر پیدا نمی‌کند بلکه فقط انگیزه تغییر پیدا کرده است.

ما عنوان محاربه را در جرایم اقتصادی، جرایم سمعی و بصری و... هم می‌بینیم که یک مجازات حدی است. یعنی مقنن ایرانی هر کجا که به تنگ آمده از عنوان محاربه و افساد فی الارض استفاده کرده است.^۱

قانون کیفری مربوط به راه آهن

در ادامه جرایم مربوط به تخریب تاسیسات عمومی، قانونی نیز در مورد تاسیسات راه آهن وجود دارد که مصوب ۱۳۲۰ است^۲ و در سال ۴۹ اصلاح شده است. در این

1. به عنوان نمونه نک به :

ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام... محکوم می‌شود.»

2. قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن مصوب ۳۱ فروردین ماه ۱۳۲۰

ماده ۱ - هر کس خاک‌ریز - خاک‌بر - پل - تونل - دیوار - سد - ابنیه - بالاست تراورس - ریل - پیچ و مهره ریل - اتصالی ریل - علائم خطر - تیرهای تلفن و تلگراف و سیم‌های آن و وسائل نقلیه راه‌آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس با اعمال شاقه از پنج تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.

و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هر گاه عمل منتهی به یکی از حادثه‌های مذکور نگردد در غیر مورد خرابی پل - تونل - و سد مرتکب به دو سال تا هفت سال حبس مجرد و در مورد پل و تونل و سد از ۴ سال تا ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم می‌شود.

۲۶۱۰ مباحثی در علوم جنایی

قانون هر گونه تهدیدی که ایمنی جان مسافران و حمل بار را با خطر مواجه کند مجازات می‌شود که این جرم نیز می‌تواند مصادیقی برای جرایم تروریستی باشد.

قانون مجازات اخلالگران در صنایع

در این قانون یک سلسله شرکتها و کارخانه‌ها را قانونگذار نام برده است، حال همین اعمال اگر با انگیزه خاص انجام شود می‌تواند مصداق جرایم تروریستی باشد. هر کس عمداً و به قصد سوء هر یک از واحدهای عمده شرکت سهامی ماشین سازی اراک، آلومینیوم ایران، صنایع ملی و فولاد، صنایع هلی کوپترسازی و... را آتش بزند و یا به هر وسیله دیگر تخریب کند و یا به قصد تخریب مواد محترقه بگذارد به ... محکوم خواهد شد. در این قانون از خرابکاری به جای واژه تروریست استفاده شده است.^۱

1. قانون مجازات اخلالگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳، ۲، ۲

ماده ۱ - هر کس عمداً و به قصد سوء هر یک از واحدهای عمده شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت سهامی ماشین‌سازی اراک و شرکت سهامی ماشین‌سازی تبریز و شرکت سهامی آلومینیوم ایران و شرکت سهامی معدن مس سرچشمه کرمان و شرکت ملی صنایع فولاد ایران و شرکت هواپیمایی ملی ایران و شرکت صنایع هلیکوپتر ایران یا شرکتهای فرعی یا واحدهای تابع آنها از قبیل کارخانه‌ها یا کوره‌ها یا معادن یا ماشینها یا مراکز تولید نیرو یا خطوط لوله یا ابنیه یا ادارات یا انبارها همچنین فرودگاه‌ها یا ایستگاه‌های هوایی و یا تاسیسات فنی هواپیمایی کشوری را آتش بزند یا به هر وسیله دیگر منهدم نماید یا به قصد حرق و تخریب، مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاه‌ها یا تاسیسات آن بگذارد به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که هر یک از جرایم مذکور منتهی به قتل نفس شود مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.

چرا تروریسم در قوانین ما وجود ندارد؟

شاید علت عدم استفاده از واژه تروریسم در قانونهای قبل از انقلاب عمدتاً به دلیل عدم نیاز بوده است و تا سال ۵۰ اصولاً در این زمینه احساس نیاز نمی‌شده است. شاید در رژیم سابق دلیل سیاسی هم داشته است. چون حکومت نمی‌خواست این طور شایع شود که تروریست‌ها در ایران فعال هستند. بعد از انقلاب نیز چون مفاهیمی فقهی مثل محاربه و افساد فی الارض وارد قانون شده است به نحوی که دیگر برای به کار بردن واژه تروریسم احساس نیاز نمی‌شد. شاید به همین دلیل بود که

۲۶۱۲ مباحثی در علوم جنایی

در سال ۸۲ دولت لایحه خود را از مجلس پس گرفت، چون احتمالاً شورای نگهبان، آن را رد می‌کرد.

اعمال تروریستی علیه اشخاص

بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۶۰ چندین کنوانسیون تصویب شده است که موضوع آن حمایت از اشخاص حقیقی است. مثل کنوانسیون حمایت از اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۱ میلادی.

در ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی ماده آمده: «هر کس به جان رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در (۵۱۵) محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود. تبصره - چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد». که این همان حمایت از اشخاص حقیقی در برابر رفتارهای تروریستی است. در لایحه مبارزه با تروریسم می‌بینیم که اشخاص نیز مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته اند. بند ب ماده ۲ لایحه می‌گوید: «هرگونه اقدام خشونت آمیز آگاهانه به نحوی که جان یا آزادی انسان را به خطر انداخته و یا دارای چنین خطری باشد. جرایم مندرج در ماده ۲ باید با توجه به ماده ۱ تعریف شود.» در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در ماده ۸۰ سوء قصد علیه مقامات خارجی جرم‌انگاری شده بود^۱.

ماده ۲ - هر کس عمداً و به قصد اخلال یا خرابکاری در صنایع مذکور در ماده ۱ عملی کند که منجر به سوختن یا انهدام تمام یا قسمتی از هر یک از وسایل نقلیه یا وسایل ارتباطات و مخابرات یا وسایل بندری متعلق به شرکتهای مذکور در این قانون شود به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۳ - هر کس عمداً و به قصد اخلال یا خرابکاری عملی کند که موجب تعطیل و ازکارافتادن تمام یا قسمتی از واحدها و تأسیسات مذکور در ماده یک شود بدون این که منتهی به انهدام تمام یا قسمتی از آنها گردد به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۴ - هر گاه یکی از جرایم مذکور در مواد فوق بر اثر تبانی و مواضع بین دو نفر یا بیشتر واقع شده باشد هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

در صورتی که برای ارتکاب این جرایم دسته یا جمعیتی از دو نفر یا بیشتر تشکیل شده، ولی هیچ یک از جرایم فوق واقع نشده باشد هر یک از محرکین و سردسته‌های جمعیت برای همین عمل به شش ماه تا دو سال و هر یک از سایر اعضاء به سه ماه تا یک سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد.

هر یک از محرکین و سردسته‌ها و اعضاء این قبیل دسته‌ها که قبل از وقوع جرم جریان توطئه را به مقامات مربوط اطلاع دهد از تعقیب معاف می‌شود.

۱. ماده ۸۰- هر کس سوء قصد به حیات رییس مملکت نماید و پس از شروع به علنی که خارج از اراده مرتکب است بلاثر بماند جزای او حبس بااعمال شاقه از ده تا پانزده سال است. اگر به

جرم‌شناسی ۲۶۱۳

بعد از انقلاب و در قانون تعزیرات و در ماده ۱۴ آمده بود هر کس به نیت فساد و مقابله با حکومت به جان رهبر یا رییس جمهور سوقصد نماید و بنا به عللی خارج از اراده او منظور واقع نشود در حکم محاربه است.

در ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی نیز این عمل به عنوان یک جرم عمومی تعریف شده است اما همین جرم اگر مرتکب آن محارب باشد می‌تواند به یک جرم تروریستی تبدیل شود. همین طور است جرایمی مانند گروگان‌گیری که ذیل آدم‌ربایی در قانون ما معنی پیدا می‌کند بمب‌گذاری و تهدید به بمب‌گذاری نیز اگر با قصد براندازی باشد می‌توان عنوان محاربه به خود بگیرد و مصداقی برای جرایم تروریستی باشد. در بند ط از ماده ۳ لایحه، بمب‌گذاری در اماکن عمومی تاسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تاسیسات زیر ساختی صرفنظر از نتیجه حاصله و انگیزه مرتکب، جرم تروریستی محسوب می‌گردد.

سازمان‌یافتگی در جرایم تروریستی

جرایم سازمان یافته دشواری‌های خاص خود را دارد. از الزامات این جرایم، مخفی‌گری و زیرزمینی بودن است. همبستگی، مشارکت و پیوند بین مجرمین زیاد است. این جرایم نظم و سازمان یافتگی پلیس و نهادهای قضایی و دولتی را مورد توجه قرار می‌دهد. به تعبیر دیگر بزهکاری سازمان یافته از همان نظم یا سازمان یافتگی یک بانک یا موسسه برخوردار است. درست است که عنوان سازمان یافتگی بُعد مثبت

واسطه سوء قصد جراحی به رییس مملکت وارد آید که منجر به فوت نشود جزای مرتکب حداکثر مجازات مذکور است.

۲۶۱۴ مباحثی در علوم جنایی

دارد، اما بزهکاران بین‌المللی از این سازمان یافتگی برای بالا بردن عایدات جرم استفاده می‌کنند و دستگاه قضایی را دور می‌زنند و دیرتر نیز کشف می‌شوند.

مطالعه جرایم سازمان یافته قدمتی بیش از ۳۰ سال ندارد. یکی از دلایل آن این است که پلیس ایتالیا نزدیک به ۳۰ سال است که گروه‌های مافیایی و شبکه‌ای را کشف و رهبران آن را دستگیر کرده است. بعد از این دستگیری‌ها و اعترافات متهمان بود که ماهیت جرایم سازمان یافته برای پلیس معین شد. البته جرم‌شناسان از زمانهای دورتری به مطالعه جرایم سازمان یافته پرداخته بودند.

ویژگی جرایم سازمان یافته

در این جرایم انگیزه و هدف مالی مهمترین موضوع است. این گروه‌ها دنبال کسب امتیازات مالی و سیاسی و اقتصادی هستند. به عنوان مثال سازمانهای جنایی برای مصون ماندن از تعرضات قانونگذار پول‌های هنگفت هزینه می‌کنند تا نمایندگان مورد نظر آنها به مجلس راه یابند تا بدین طریق لوایحی که دولت به منظور مبارزه با این گروه‌ها صادر می‌کند در مجلس رای نیاورد. لذا مجرمین سازمان یافته با نفوذ در لایه‌های بالایی دولت منافع مالی خود را دنبال می‌کنند. اما در طرف مقابل تروریست‌ها به دنبال کسب منافع مالی نیستند و انگیزه‌های آنان مقابله با حکومت و نظم موجود و یا وادارکردن نظم سیاسی موجود به تغییر استراتژی خود در زمینه سیاسی و اقتصادی است که امری غیر شخصی و عمومی است. اما جرم تروریستی ممکن است از نظر شیوه ارتکاب جرم سازمان یافته نباشد.

سازمان یافتگی از دیگر ویژگی‌های گروه‌های مافیایی است. سازمان یافتگی باعث عمر بیشتر و دوام بیشتر این گروه‌ها می‌شود. همین طور این سازمان یافتگی به آنها کمک می‌کند تا ترفندهای و ساز و کارهای پلیس را ختشی کنند. این گروه‌ها گمنام عمل می‌کنند. نتیجتاً از نظر آمار جنایی رقم سیاه جرایم تروریستی بالاست. لذا

جرم‌شناسی ۲۶۱۵

نمونه‌های این جرایم که توسط جرم‌شناسان ارائه می‌شود چندان قابل اتکا و تعمیم نیست. جرایم تروریستی نیز کم و بیش دارای سازمان یافتگی هستند. جرایم تروریستی و گروهک‌هایی که اعمال تروریستی انجام می‌دهند در سه لایه قابل تفکیک هستند. ۱- رؤسا و رهبران این گروهک‌ها که معمولاً اهداف و آرمانهای والا دارند ۲- افراد میانی که نقش واسطه را دارند ۳- افراد دست پایین که اعمال تروریستی را انجام می‌دهند. این افراد حتی ممکن است اجیر شده باشند و چندان با اهداف گروهک آشنایی نداشته باشند. در جرایم تروریستی رقم خاکستری بالاست، ولی رقم سیاه بالا نیست چون این جرایم معمولاً کشف می‌شوند.

همان‌طور که گفته شد تروریسم عنوانی کلی است و از نگاه جرم‌شناسانه می‌توان در دو فضای کلی آن را مورد بررسی قرار داد: ۱- تروریسم به عنوان بزه کاری یعنی مجموعه‌ای از جرایم عمومی که با هدف خاص انجام می‌شود. ۲- با توجه به آمدن واژه (ایسم) در کنار کلمه (ترور) می‌توان به این رفتار به شکل یک مکتب فکری نگاه کرد. مکتبی که اعتقاد به ایجاد رعب و وحشت برای رسیدن به اهداف خود دارد. بر همین اساس است که دول تروریستی شکل می‌گیرند و اداره جامعه را در بستر وحشت فراهم می‌کنند به طوری که بقاء زمامداری حاکمان بسته به حذف مخالفان است.

کلیات جرم‌شناسی

پیش از آنکه جرایم تروریستی را از منظر جرم‌شناسی بررسی کنیم لازم است کلیاتی از علم جرم‌شناسی را مورد بررسی قرار دهیم.

وجوه افتراق و تمایز حقوق کیفری و جرم‌شناسی

۱- جرم‌شناسی به مجرم توجه دارد ولی حقوق کیفری به جرم می‌اندیشد. ۲- در جرم‌شناسی انگیزه مجرم اهمیت دارد ولی در حقوق کیفری قصد مجرمانه است که

۲۶۱۶ مباحثی در علوم جنایی

از اهمیت برخوردار است. ۳- هدف جرم‌شناسی علت‌شناسی و پیشگیری از مجازات است اما هدف حقوق کیفری مجازات است. ۴- در جرم‌شناسی جرم اماره است به این معنا که جرم ارتكابی و شدت و ضعف آن دلیل بر وجود حالت خطرناک نیست، در حالی که در حقوق کیفری هر چه عمل شدیدتر باشد نشان دهنده خطرناکی مجرم است چه بسا از منظر حقوق کیفری جرم شدید باشد ولی در جرم‌شناسی آن را خطرناک نپندارند. لذا حقوق کیفری رشته‌ای (نرماتیو)^۱، هنجاری و دستوری است و بعضاً اعتباری و قراردادی نیز می‌باشد، اما جرم‌شناسی رشته‌ای چند مبنایی و مشمول یک سلسله مقررات حرفه‌ای. جرم‌شناسی در مقام مطالعه مجرم باید ملاحظات اخلاقی را نیز رعایت کند و نمی‌توان صرفاً با ادعای اصلاح مجرم به جراحی او پردازد.

۵- جرم‌شناسی برای علت‌یابی جرم روشهای متنوعی به کار می‌برد. روش تحقیق در جرم‌شناسی هم کمی است و هم کیفی. یعنی یا آمار و ارقام و اعداد است و یا روشهای پیمایشی مانند مصاحبه با زندانیان و مجرمین، والدین مجرم و مطالعه پرونده‌های کیفری. یعنی عکس برداری از گذشته مجرم و به دنبال کنار هم چیدن گذشته مجرم هستیم، تلفیق این روشها و عوامل یک سلسله اعمالی را مشخص می‌کند که عوامل جرم ارتكابی هستند.

تئوری‌های جرم‌شناسی

در مورد مجرم، تئوریهای فراوانی وجود دارد. اولین و مهمترین این نظریه‌های معتقد به جبری بودن ارتكاب بود و علل ارتكاب جرم را توارث و مسائل ژنتیکی می‌دانست که مجرم در آن نقشی ندارد. همین‌طور نظرات جرم محیطی و یا جبر آماری یعنی هر

^۱. Normative

جامعه‌ای چه سنتی و چه مدرن هر ساله تعداد معینی جرم باید اتفاق بیفتد تا تعادلی در آن جامعه ایجاد شود. به تعبیر دیگر می‌گویند هر جامعه سزاوار مجرمینی است که در خود پرورش داده است اولین نظریات راجع به مجرم به خاطر جبر محیطی و وراثتی است. و همین طور نظریه قانون حرارتی، جرم از دیگر تئوری هاست بدین معنی که کسانی که در شهرهای جنوبی زندگی می‌کنند جرایم علیه اشخاص مرتکب می‌شوند و کسانی که در مناطق شمالی اند بیشتر جرایم علیه اموال مرتکب می‌شوند.

نقطه اوج این دیدگاه تئوری جانی بالفطره پروفیسور لومبروز بود.^۱ اما کم کم نظریات جبرگرایانه جای خود را به نظراتی داد که معتقد بودند مجرم نه تنها انسانی عادی و دارای اراده است بلکه مجرم دارای تدبیر نیز می‌باشد. یعنی مثل همه انسانها پیش از ارتکاب جرم دست به مقایسه می‌زند و سود و زیان رفتار خود را می‌سنجد.^۲ منظور از COST همان هزینه‌های ارتکاب جرم است. مثلاً مجرمین برای کاهش هزینه‌های جرم معمولاً به خانم‌ها حمله می‌کنند یا به جای ارتکاب جرم در روز شب مرتکب جرم می‌شوند و یا طوری جرم را انجام می‌دهند که عنوان جرم انتسابی به آنها سبک‌تر باشد. پس اگر مجازات جرم را افزایش دهیم هزینه‌های آن را بالا برده‌ایم.

1. دکتر سزاره لمبرزو در سال ۱۸۷۶ کتاب انسان بزهکار را به رشته تحریر در آورد. از عمده افکار ایشان می‌توان به مجرم بالفطره یا مادرزاد اشاره کرد. کسانی که ظاهری چون انسان اولیه دارند. موجودی که تکامل پیدا نکرده است و در مراحل ابتدایی رشد خود مانده است. این اندیشه بی‌تاثیر از نظریه تکامل داروین نبود. مجرم بالفطره از نظر لمبرزو فردی نیمه انسان - نیمه حیوان یا به تعبیری دیگر نوعی شیطان بود. در صورتی که این موجود شوربخت در شرایط یکسان با انسانهای عادی قرار گیرد به یقین مرتکب جرم خواهد شد. جهت اطلاع بیشتر ر.ک:

- نوربها، رضا. زمینه جرم‌شناسی، تهران، گنج دانش، چ سوم (ویرایش جدید)، ۱۳۸۶. صص. ۸۱-

مجازات ها مالی یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های حقوق کیفری است. معمولاً کسری از سود حاصله از جرم به عنوان جریمه در نظر گرفته می‌شود.

در مقابل نظریه جبرگرایانه، نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید مجرمین افرادی عادی هستند که در جامعه زندگی می‌کنند و قواعد بازی را می‌دانند و برای امرار معاش و زندگی فعالیت مجرمانه را انتخاب کرده‌اند. در این میان نگاه ما به مجرم از منظر روانشناختی است، مثل تئوری شخصیت جنایی. گاهی تقریباً ما به موضوع بیشتر جنبه جامعه‌شناختی دارد و به بررسی بعد اکتسابی شخصیت فرد در محیط های اجتماعی می‌پردازد.

در یک فرمول کلی مجرم از وضعیت مجرمانه + شخصیت بهره‌مند است. شخصیت مجرم در بستر زمانی و مکانی شکل خاصی به خود گرفته و تغییر آن کار بسیار سختی است، اما با این وجود بر روی وضعیتهای مجرمانه می‌توان تأثیر گذاشت. یعنی مرتکب در صورت وجود داشتن یک وضعیت خاص از اندیشه به سمت عمل می‌آید و تغییر این وضعیت می‌تواند مانع از ارتکاب بسیاری از جرایم باشد. وضعیت، نوعی کاتالیزر^۱ و تسهیل کننده جرم و یا عقیم کننده و مانع ارتکاب آن است. سخت تر کردن و افزایش هزینه ارتکاب جرم می‌تواند باعث کاهش جرم شود. در کنوانسیون های بین‌المللی نیز همواره بحث پیشگیری از جرم مطرح بوده است لذا پیشگیری وضعی و توجه به وضعیت پیش مجرمانه اهمیت دارد. اما در مورد کارآیی پیشگیری وضعی نسبت به جرایم تروریستی ابراز تردید شده است. زیرا اصولاً اصلاح مجرم در این جرایم معنی ندارد. چون انگیزه از ارتکاب جرم ایدئولوژیک است. البته برخی از روشهای پیشگیری وضعی مثل نصب دوربین‌های

مدار بسته در مراکز عمومی می‌توان مؤثر باشد. بدین ترتیب که ورود و خروج تروریست‌ها کنترل می‌شود.

دیگر وظایف جرم‌شناسی در امر مبارزه با جرم

ما در مباحث جرم‌شناسی همیشه به دنبال علت شناسی جرم، جرم‌شناسی بالینی و پیشگیری نیستیم. یکی دیگر از وظایف مهم جرم‌شناس بررسی این نکته است که آیا قوانین و مقررات موجود در قانون داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی با یافته‌های جرم‌شناسی قابل انطباق است یا خیر؟ و بدین طریق به اصلاح قوانین کمک می‌کنیم. مثلاً در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مشاهده می‌کنیم^۱ که قانونگذار برای دفاع از حریم خصوصی ماده‌ای وضع کرده است. اما این قانون از نظر جرم‌شناسی دارای تالی فاسد است و باعث جواز همه‌کشی و ایجاد زمینه برای این امر می‌شود.

همین‌طور از طریق یافته‌های جرم‌شناسی می‌توانیم تحلیل کنیم که برخی قوانین بیشتر سرکوبگر هستند و یا اینکه بیشتر به اصلاح مجرم و پیشگیری از جرم توجه داشته است.

شاخصه‌های تفکیک قوانین سزاده از قوانین ناظر به اصلاح مجرم

برخی از مهمترین این شاخصه‌ها عبارت است از:

۱- از میزان و شدت اختیاراتی که به ضابطین برای جمع‌آوری ادله و استرداد مجرمین داده شده است، هر چه اختیار ضابطین بیشتر باشد نشان دهنده میل قانونگذار

۲۶۲۰ مباحثی در علوم جنایی

به سرکوب و اختناق است. هر چه ضابطین قدرت بیشتری داشته باشند، قوه قضاییه قدرتش کمتر می‌شود؛

۲- هر چه میزان ساعات بازداشت مجرمین بیشتر باشد، نشان دهنده سرکوب‌گری بیشتر است؛

۳- شاخص دیگر وصف‌ها و یا عناوین مجرمانه است. از آنجا که در حقوق کیفری اصل بر تفسیر مضیق است، تعاریف آنقدر باید روشن و صریح باشد که امکان هرگونه تفسیر بسته باشد و امکان سوء استفاده نباشد. اما اگر عنوان مجرمانه عمداً موسع تعریف شود نشان دهنده میل مقنن به شدت عمل و سخت‌گیری بیشتر است، در اینجا دست قاضی برای تعقیب مجرم باز است. لذا لازم نیست همیشه مجازات شدید باشد بلکه توسعه دادن وصف مجرمانه می‌تواند نشان دهنده شدت عمل مقنن باشد؛

۴- شاخصه دیگر جرم‌انگاری کردن شروع به جرم و معاونت در جرم به عنوان یک جرم مستقل است که می‌تواند از نشانه‌های سخت‌گیری قانون باشد؛

۵- شاخصه دیگر آن است که بررسی شود چقدر در آن قانون ساز و کارهای ارفاقی حقوق جزا قابل اعمال است.

درکنوانسیون‌های که مربوط به جرایم تروریستی هستند عمده‌تأ رویکرد سزاده و سخت‌گیرانه است. انگار امیدی به اصلاح تروریست‌ها وجود نداشته و قانونگذار آنها را افرادی ضد جامعه تلقی کرده است. و باید با آنها با شدت برخورد شود. درکنوانسیون‌هایی که وجود دارد نوعاً همین رویه حفظ شده و تأکید بر پیشگیری

۱. هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک به:

جوانمرد، منبع پیشین، صص ۵۰-۵۳

وضعی و فنی^۱ است که به نوعی با آزادی های فردی و حقوق بشر در تعارض است. این سخت گیری ها به خاطر شرایط ویژه و شکل خاص جرایم تروریستی است و در پیشگیری وضعی مثل پیشگیری اجتماعی به دنبال اصلاح و آموزش مجرمین نیستیم.

۱. پیشگیری فنی

پیشگیری فنی یا تخصصی شامل اقدامات فنی و تخصصی، حسابرسی و کنترل نامنظم دفاتر است که به نوعی به پیشگیری از ارتکاب جرم منجر می شود.

در غالب کنوانسیونهای راجع به تروریسم به پیشگیری فنی و تخصصی اشاره شده است. مثلاً در کنوانسیون کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم پیشگیری فنی را می بینیم. از این جمله می توان به موارد زیر در ماده ۱۸ کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم توجه کرد:

- الزام موسسات مالی و سایر مشاغلی که در معاملات پولی دخالت دارند به اتخاذ کارآمدترین اقدامات برای شناسایی مشتریان دایمی یا موردی خود و مشتریانی که به نفع آنان حساب باز میشود.

- توجه ویژه به معاملات غیر عادی یا مشکوک و توجه به معاملاتی که ظن منشاء جنایی می رود.
- ممنوع نمودن افتتاح حساب درموردی که صاحبان حساب یا برداشت کنندگان حساب ناشناس هستند و اتخاذ تدابیری برای حصول اطمینان از اینکه موسسات، هویت صاحبان واقعی این معاملات را مشخص می نمایند.

- الزام موسسات مالی، در صورت لزوم، به اتخاذ تدابیری برای حصول اطمینان از اینکه اشخاص حقوقی موجودیت قانونی داشته باشند (از طریق فراهم آوردن مدارک شرکت، از جمله اطلاعات مربوط به نام مشتری، وضعیت حقوقی، نشانی، مدیران و مقررات تنظیم کننده اختیارات به منظور متعهد کردن آن موسسه از طریق مراجع ثبت عمومی یا مشتری یا هر دو.

- وضع مقرراتی برای ملزم نمودن موسسات مالی به ارائه گزارش فوری به مراجع ذیصلاح درخصوص کلیه تبادلات گسترده غیرعادی و پیچیده و شیوه های غیرعادی مبادله، که در ظاهر امر هیچ هدف اقتصادی بارز یا قصد و نیت آشکار قانونی ندارند، به گونه ای که چنانچه موارد مشکوک را با حسن نیت گزارش دهند، نگران ایجاد مسئولیت مدنی یا کیفری به خاطر نقض محدودیتهای مربوط به افشای اطلاعات نباشند.

پاسخ به چند سؤال مهم

سؤال: چرا قانونگذار جرم تروریستی را تعریف دقیق نمی کند و این امر حتی در کشورهای اروپایی نیز اتفاق نیفتاده است؟

پاسخ: همان طور که گفته شد تروریسم مفهومی کلی است و جرایم متعددی را در برمی گیرد، لذا در چنین جرایمی اصولاً تعریف جامع و مانع از جرم امکان ندارد، اما می توان مصادیق جرم را برای احترام به اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها احصاء کرد. ضمن اینکه هیچ قانونگذاری مرتکب این ریسک نمی شود که تروریسم را تعریف کند. زیرا ممکن است اعمالی را نتوان ذیل آن تعریف جای داد و لذا دست قاضی برای مبارزه با این پدیده خطرناک می بندد. لذا در این گونه جرایم حتی اگر قانونگذار اقدام به تعریف جرم کند آن را بسیار موسع تعریف خواهد کرد.

سؤال: آیا ارائه تعریف موسع و قیاسی، ناقض حقوق بشر و مغایر تفسیر مضیق قوانین کیفری نیست؟

پاسخ: اصولاً در امور کیفری قیاس مسموع نیست... درست است که تفسیر موسع به نوعی با حقوق افراد در تضاد است، اما قانونگذار برای اینکه در جرایم مهم مثل تروریست با همه آشکال آن مبارزه کند و مرتکبین این جرایم نتوانند از چنگال عدالت بگریزند، بعضاً به بیان موسع از قانون می پردازد.

- الزام موسسات به نگهداری کلیه سوابق ضروری مربوط به مبادلات، اعم از داخلی یا بین المللی حداقل به مدت پنج سال.

x بررسی تفصیلی موضوع، به مقاله در دست تهیه ویرایشگر که مطالب فوق بر گرفته از آن است - با عنوان نگاهی جرم شناختی به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم - موکول خواهد شد.

منابع و ماخذ

- ۱- ابراهیمی، شهرام. *پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر*، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۲- آشوری، دکتر داریوش. *فرهنگ سیاسی*، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۴۹.
- ۳- جوان شهرکی، مریم، *جهانی شدن و گسترش تروریسم جهانی (مورد مطالعاتی: گروه القاعده)*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- جوانمرد، بهروز، *مطالعه تطبیقی سیاست تسامح صفر در حقوق کیفری ایران و آمریکا*، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی علی صفاری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- ۴- زر نشان، شهرام. *تمهیدات بین المللی برای مقابله با تروریسم با تکیه بر قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۳ شورای امنیت*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۵- ساندوز. "مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل: خطرات و فرصتها" مترجم حسن سواری، *مجله حقوقی (مرکز امور حقوقی بین المللی)* شماره ۲۹.
- ۶- صفاری، دکتر علی. «مبانی نظری پیشگیری وضعی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰.
- ۷- طیبی فرد، امیرحسین. "مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بین المللی" *مجله حقوقی (دفتر خدمات حقوقی)* شماره ۳۲ سال ۱۳۸۴.
- ۸- فیلیس کورزین. *انقلاب فرانسه*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۴.
- ۹- موریس کوسن، نظارت ویدئویی: دلایل موفقیت و شکست، ترجمه شهرام ابراهیمی، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ویژه حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶.

- ۱۰- گسن، رمون، *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. *مجله تحقیقات حقوقی* سال ۱۳۷۶ ش ۱۹-۲۰.
- ۱۱- گسن، ریموند. *جرم شناسی نظری*، ترجمه مرحوم دکتر مهدی کی نیا، تهران، مجد، ۱۳۷۴.
- ۱۲- لپز ژرار، فیلنرولا زینا. *بزه دیده و بزه دیده شناسی*، ترجمه روح الدین کردعلیوند. احمد محمدی، انتشارات مجد، تهران، سال ۱۳۷۹.
- ۱۳- ماتیسین، توماس، *توسعه مفهوم تروریسم*، ترجمه معاونت امور بین الملل قوه قضاییه، نشریه *مأوی*، شماره ۱، فروردین ۱۳۸۳.
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین. «پیشگیری عادلانه از جرم»، *علوم جنایی*، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین. *مجموعه تقریرات علوم جنایی (درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، تنظیم رضا فانی، نیم سال اول تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲)*.
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین. *تقریرات جرم شناسی*، دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس قم، نیمسال دوم ۱۳۸۵-۱۳۸۶.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی، حمید. *دانشنامه جرم شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ نخست. ۱۳۷۷.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. *تقریرات سیاست جنایی*، دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۷۹-۱۳۷۸.
- ۱۹- نوربها، رضا. *زمینه جرم شناسی*، تهران، گنج دانش، چ سوم، ۱۳۸۳.
- ۲۰- نورتون، ژوزف جی. شمس، هبا. "قانون پولشویی و تامین منابع مالی تروریسم: واکنشهای پس از ۱۱ سپتامبر" مترجم، محمد جواد میرفخرایی. *مجله حقوقی (دفتر خدمات بین المللی)* شماره ۲۹.

33- Abraham Sofaer, "The Rationale for the United States Decision" Not to Ratify, 82 Am. J. Int'l L., 784785 (1988).

34- Joseph J. Norton and Heba Shams, "Money Laundering Law and Financing: Post – 11 September Back and Take a Deep Terrorist Breath?" The International Lawyer - A Quarterly Publication of The International Law and Practice, 2002, vol.1, No36.

35- UN DOCUMENTS AGAINST TERRORISM:
1963 Convention on Offences and Certain Other Acts Committed On Board Aircraft. (Aircraft Convention)

1970 Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft (Unlawful Seizure Convention)

1971 Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation (Civil Aviation Convention)

1973 Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Internationally Protected Persons (Diplomatic agents Convention)

1979 International Convention against the Taking of Hostages. (Hostages Convention)

1980 Convention on the Physical Protection of Nuclear Material (Nuclear Materials Convention)

1988 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation, supplementary to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation (Extends and supplements the Montreal Convention on Air Safety) (Airport Protocol)

1988 Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation (Maritime Convention)

1988 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf (Fixed Platform Protocol)

1991 Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection (Plastic Explosives Convention)

1997 International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings (Terrorist Bombing Convention)

1999 International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism (Terrorist Financing Convention)

۲۱- هاشمی، سید محمد. «جرایم سیاسی مطبوعاتی در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۱.

۲۲- هافمن، پل. "حقوق بشر و تروریسم" ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی (مرکز امور حقوقی بین‌المللی) شماره ۳۴ سال ۱۳۸۵.

۲۳- ---، مبارزه با پول شویی در بانکها و موسسات مالی - نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲

24- Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism, adopted at Ouagadougou on 1 July 1999.

25- Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation, done at Rome on 10 March 1988.

26- European Convention on the Suppression of Terrorism, concluded at Strasbourg on 27 January 1977

27- International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, adopted by the General Assembly of the United Nations on 15 December 1997.

28- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, adopted by the General Assembly of the United Nations on 9 December 1999.

29- SAARC Regional Convention on Suppression of Terrorism, signed at Kathmandu on 4 November 1987.

30- Yves SANDOZ, "Lutte contre le terrorisme et droit international : risques et opportunités", droit international et de droit européen, Revue Suisse de 2002/3, RSDIE.

31- Terrorism and Human Rights, Preliminary Report, Supra note 7.

32- Christine Chinlund, "Who Should Wear the "Terrorist" Label? Boston Globe, 8 Sept. 2003, at A15, available at :

[www.boston.com/news/globe/editorial_opinion/editorials/articles/2003/09/08/.](http://www.boston.com/news/globe/editorial_opinion/editorials/articles/2003/09/08/)

جرم شناسی ۲۶۲۷

2005 International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism(Nuclear Terrorism Convention)